ITT SCHOOL

Chris

Independent Traders

Basic of Support & Resistance

دانستن ساپورت و رسیستنس پایه اصلی استفاده هر سیستم می باشد . هر سیستم یا تکنیک ترید در مارکت بر پایه ساپورتها و رسیستنسها عمل می کنند و هیچ سیستمی نمی تواند بدون در نظر گرفتن این 2 پایه ای داشته باشد . در اینجا سعی میکنیم این 2 را به بهترین شکل ممکن تعریف کنیم .

ساپورت :

وقتی ما در یک مسیر صعودی یا نزولی قرار داریم نظمی که لوی کندلها را نگه میدارد ساپورت می نامیم . ساپورت برای درک بهتر از ادامه روند و نشستن در مسیر صعودی و یا روند نزولی رسم و مشخص می شود .



شاید برای خیلی از تریدرها این سوال وجود داشته باشد که چگونه این نظم بر قرار می شود ؟ جواب این سوال به احساسات درون بازار بر میگردد. زمانی که روندی صعودی است تعداد تریدرهای زیادی در انتظار رسیدن به لوهای گذشته هستند تا خرید مجددی انجام دهند و این امر بر تعداد لوها می افزاید و ساپورت را تشکیل می دهد . و در یک مسیر نزولی برای ادامه روند مورد استفاده قرار میگیرد . وقتی ساپورت شکسته می شود می توان در اینده ساپورت موثر را پیدا کرد و منتظر تصمیم خریداران ماند .

رسیستنس :

بر خلاف ساپورت رسیتنس تشکیلی از های هاییست که توسط کندلها ایجاد شده است و برای ادامه روند صعودی یا ادامه نزول مورد استفاده قرار میگیرد .



در این حالت فروشنده های بیشتری در مارکت وجود دارد و علاقه به خرید کمتر می شود . در رسیستنس چپ در عکس بالا شاید بسیاری از تریدرها بخت باز کردن فروش را در اولین و دومین های از دست داده بودند و در های سوم بسیاری اقدام به فروش میکنند . این امر بعد از لمس های سوم به رسیستنس می تواند شروع شود .

ساپورت و رسیستنس :

استفاده این 2 در یک زمان می تواند روند مارکت را برای ما مشخص کند . تصاویر بالا رو جور دیگر خواهیم دید .



وقتی به تصویر بالا نگاه دوباره میندازیم و تعاریف ساپورت و رسیستنس را مرور میکنیم روند برای تریدر دارای معنی بهتری خواهد بود . تریدر از این خطوط برای گرفتن تصمیم به فروش یا خرید اقدام میکند . همچنین مشخص می کند که روند در مسیر رنج – صعودی یا نزولی قرار دارد .

موقعیت خرید یا فروش :

وقتی ساپورتی رسم می شود و لوهای اینده از این ساپورت فاصله میگرند میتوان به قویتر شدن صعود اطمینان بیشتری داشته باشیم .



و همین حالت برای رسیتنس . زمانیکه های جدید از خط رسیستنس فاصله میگیرد موقعیت نزولی دارای قدرت بیشتری است .



در زیر چند سناریوی خرید و فروش را مرور میکنیم :



تصویر بالا برای درک بهتر استفاده از ساپورت و رسیستنس می باشد و به این معنی نیست که همیشه می توان به این راحتی ترید کرد . این مثال برای درک اصلی این 2 استفاده شده است که بعد از تماس یا فاصله گرفتن کندلها از رسیتنس و ساپورت و بریک اوتها چه تصمیمات اساسی یک تریدر می تواند بگیرد و با توجه به مدیریت سرمایه خود اقدام به ترید کند . در این تصویر نمونه مناسبی از ساپورت چند لایه را نیز مشاهده میکنیم که همین امر می تواند برای رسیستنس نیز اتفاق بیفتد .

تغییر ساپورت به رسیستنس و بلعکس :

بیشترین استفاده تریدر ها از ساپورت و رسیستنس در زمان تغییر ماهیت انها می باشد . وقتی این تغییر ماهیت شکل میگیرد تریدر به تغییر روند و گرفتن پوزیشنهای بلند مدت تمایل بیشتری دارد. در زیر چند مثال را مرور میکنیم :



ZONE :

در همین تصویر بالا ما در واقع از ZONE برای مشخص کردن رسیستنس استفاده کردیم و در اینده تاثیر ان بر روی ساپورت را دیدیم . تریدرهای تازه کار گاهی برای رسم دقیق ساپورت و رسیستنس دچار مشکل و یا تردید هستن . در

این مواقع بهترین راه حل رسم ZONE مباشید . وصل کردن هایست های به های نزدیک برای رسیتنس زون و لویست لو به های لوی نزدیک برای رسم ساپورت زون

یک مثال در ارز دلار/ین :



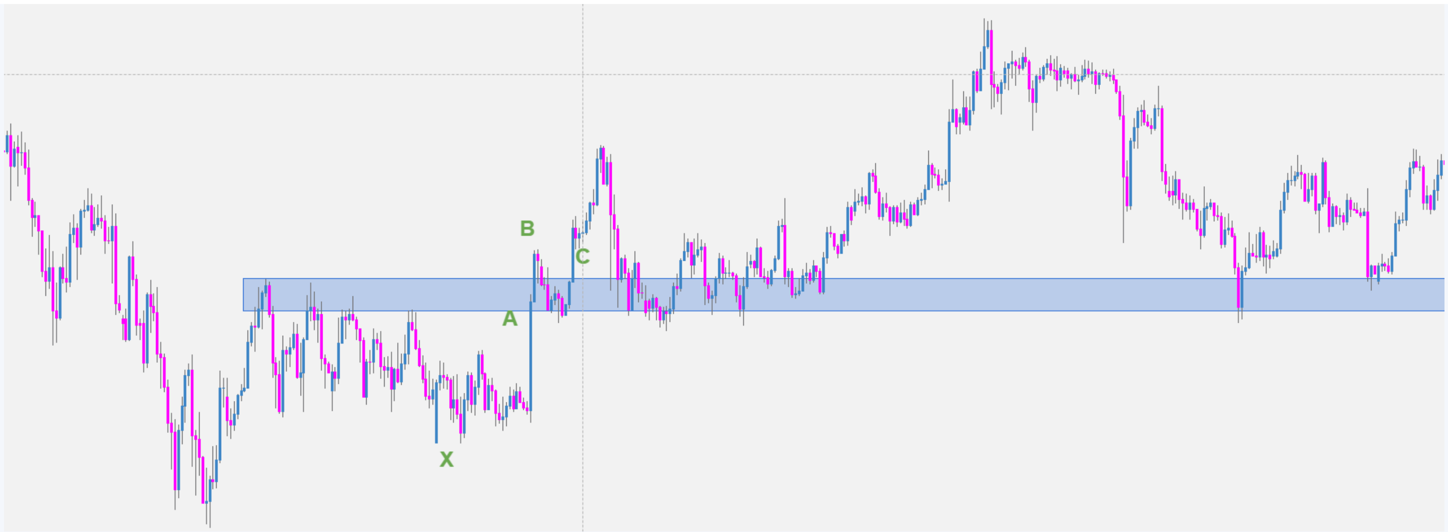
در ادامه اموزش مطالب ریزتری و حرفه ای تری را بیان خواهیم کرد .

Advance Support & Resistance

در این بخش سعی میکنیم نگاه جامعتر و واقعه بینانه تری به ساپورت و رسیستنس داشته باشیم . سعی میکنیم با در نظر گرفتن این 2 موقعیتهای ترید در شرایط مختلف را مرور کنیم و تریکهایی که یک تریدر می تواند برای موفقیت از ان استفاده کند .

انواع استفاده از ساپورت و رسیستنس :

پندینگ اردر شاید برای خیلی از تریدرها اولین قدم باشد اما نحوه استفاده از پندینگ اردر برای بسیاری از تریدرها واضح و مشخص نیست . در بخش اول عکسی از دلار ین قرار دادم که یکی از بهترین نمونه های تغییر ماهیت بود . این تصویر را در زیر برای ورود به ترید انتخاب کردم و به ان نگاهی می اندازیم.



در کندل A ما به رسیستنس برگشتی داریم .در نگاه اول شرایط گذشته نزدیک به ما سیگنال خرید صادر نمی کند اما وجود کندل قوی و رسیدن به رسیستنس می تواند ایده فروش را نیز از ما دور کند . بهترین تصمیم ممکن صبر تریدر برای مطمئن شدن از رسیستنس ماندن زون یا تغییر ماهیت ان به ساپورت می باشد.وقتی کندل B بسته میشود همچنان در منطقه زون است و تاییدی برای شکست نیست . تا دوباره برگشت به لایه پایینی زون در این حالت تریدرها به 2 صورت عمل میکنند.

1- قرار دادن پندینگ اردر برای فروش

2- قرار دادن پندینگ اردر برای خرید

دسته اول پندیدنگ فروش را در زیر اخرین های قبل از A قرار می دهند و استاپ در بالای B . علت نیز در گفته های قدیمی می باشد که گفتیم برای فروش در پرایس اکشن ما به های قدیم توجه میکنیم و برای خرید لوهای گذشته مارکت برای ما نشان دهنده مکان ورود یا خروج از ترید هستند .

دسته دوم شاید استاپ را در منطقه x قرار دهند یا اخرین لو موجود (2 لو بعد از x) و نقطه ورود خرید در بالای های B قرار میگیرد .

این روش یکی از ساده ترین و یکی از پایه ای ترین روشهای ترید است که همچنان در بین بسیاری از تریدرها مقبولیت دارد .

اما نقطه خروج بعد از فعال شدن پندینگ خرید در کجاست ؟



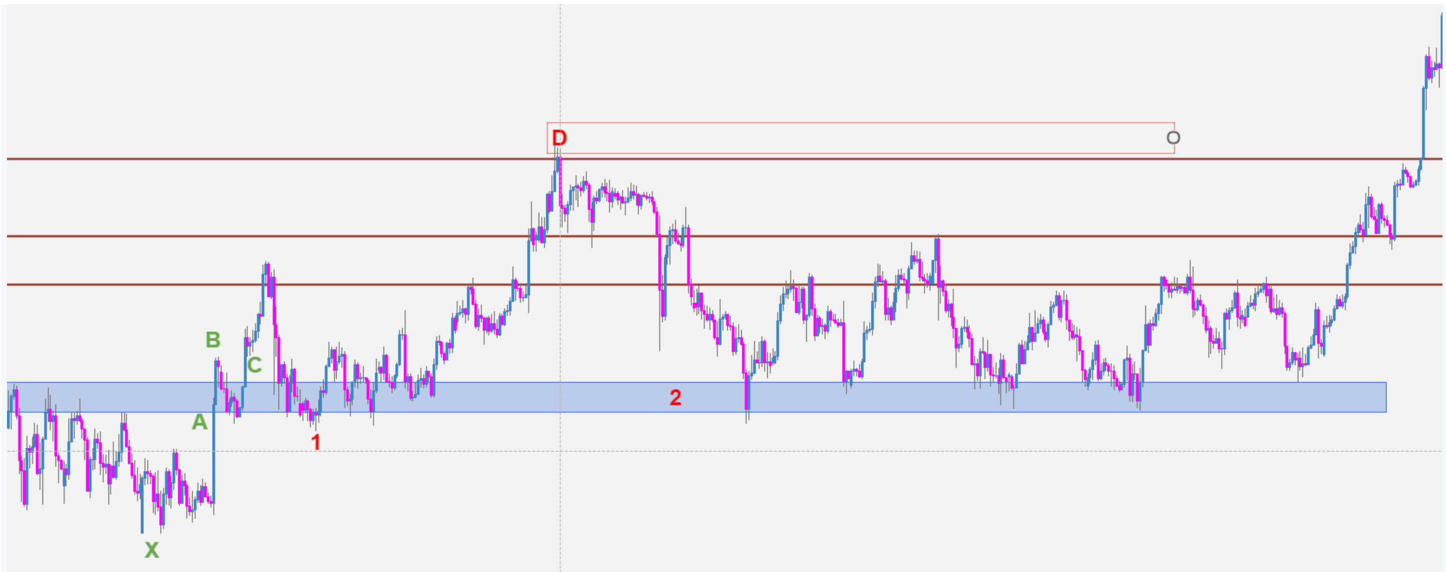
تعیین نقطه خروج بسیار ساده است با رسم خطوط رسیستنس از های و لو های معتبر گذشته ما به 3 منطقه خروج دست پیدا میکنیم . که با مدیریت ترید و تقسیم لاتها میتوانیم پوزیشن را مدیریت کرده و به هر 3 هدف رسید .

نکته مهم مرور دوباره سناریوی وارد شدن به خرید می باشد . در بالا نوشتیم که بعد از قرار دادن پندینگ اردر خرید استاپ را در منطقه x قرار میدهیم یا 2 لو بعد از ان . اما با کمی صبر و دقت اگر به مباحث اموزشی مدیریت سرمایه رجوع کنیم بعد از باز شدن پوزیشن خرید ما باید به برنامه مدیریت ریسک خود رجوع کنیم و تصمیم قرار دادن استاپ و تی پی را بررسی کنیم . چون 3 هدف برای تی پی در نظر داریم پس به نوعی ریسک به ریوارد ما 1:3 تغییر پیدا کرده است و باید تصمیم بگیریم که ایا خارج از مدیریت سرمایه عمل میکنیم یا خیر . اگر ریسک به ریوارد ما 1:2 باشد پس از تی پی اخر I چشم پوشی میکنیم و بعد از زدن تی پی III می توانیم تی پی I را اضافه کنیم . اما فراموش نکنیم هر چه ترید بالاتر می رود و به خواسته ما نزدیکتر باید استاپ را هم به منطقه ورود در مرحله اول تغییر دهیم برای بریک ایون و در اینده تصمیم مناسب برای جا بجا کردن استاپ .

طبق قوانین مدیریت سرمایه قبل از هر تصمیمی ما استاپ خود را مشخص کردیم . X

قرار دادن پندینگ خرید بر روی ساپورت :

در بحث پرایس اکشن و رسیدن روند به ساپورت و رسیستنس گفتیم بهترین زمان فروش رسیدن به رسیستنس و خرید رسیدن به ساپورت می باشد که در همین زمینه می توان از پندینگ اردر استفاده کرد که از یکی از متداولترین روشهای ترید می باشد . در سناریو قبل ما پندینگ خود را در بالای های قرار دادیم که می تواند دراودان زیادی داشته باشد . به عکس زیر دقت کنید :



در این تکنیک پندینگ خرید در منطقه 2 قرار میگیرد و استاپ در زیر لوی 1 که البته با توجه به ریسک به ریوارد تریدر می تواند متفاوت باشد و البته مقدار ارزشی پیپ ارز مورد نظر برای ترید کردن . درک درست از پرایس اکسن این دید را برای تریدر ایجاد میکند که های D کاملا ارز را در صعود قرار داده و تمایل فروشندگان بعد از رسیدن به زون ساپورت کم میشود علت دیگر ان تبدیل زون رسیستنس به ساپورت در گذشته نیز می باشد .احتمال موفق شدن حدود 90% درصد میباشد اما و اما اگر در منطقه 2 روند ساپورت را شکست و نزولی شد و ان 10% که احتمال وجودش نبود اتفاق بیافتد تریدر یک چیز را باید در ذهن خود تکرار کند .

ضرر جزیی از این مارکت می باشد

تا به اینجا سعی من بر این بوده که معنی استفاده از ساپورت به رسیستنس به بهترین و ساده ترین شکل ممکن بیان شود و در واقعیت استفاده از ابزار کمکی مانند اندیکیتورها – فیبوناچی و غیره می تواند معانی بهتر و کاملتری به ساپورت و رسیتنس ها بدهد .

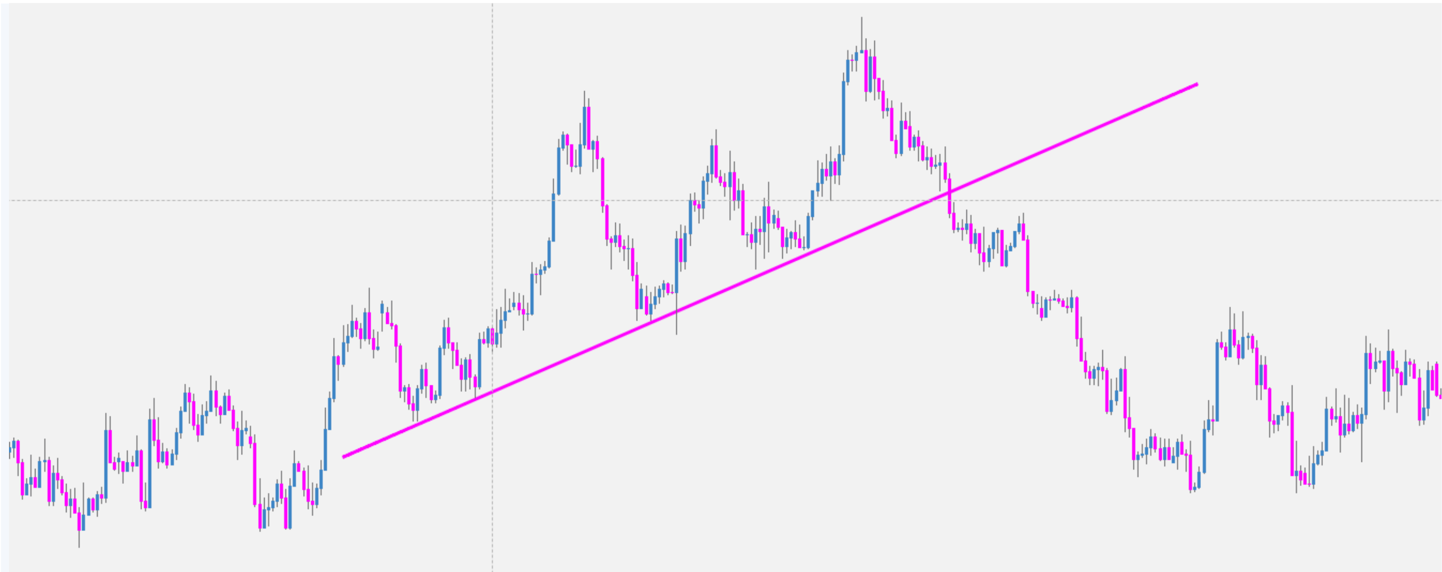
نکته بسیار مهم دیگر این است که تریدر باید تمام دانسته های خود را در کنار هم قرار دهد . ما از پرایس اکشن به مدیریت سرمایه و سپس به ساپورت و رسیستنس رسیدیم و همه اینها برای ورود به پوزیشن باید در کنار یکدیگر قرار بگیرند .نبودن یکی از این اصول درصد خطای تحلیل را بسیار زیاد میکند .

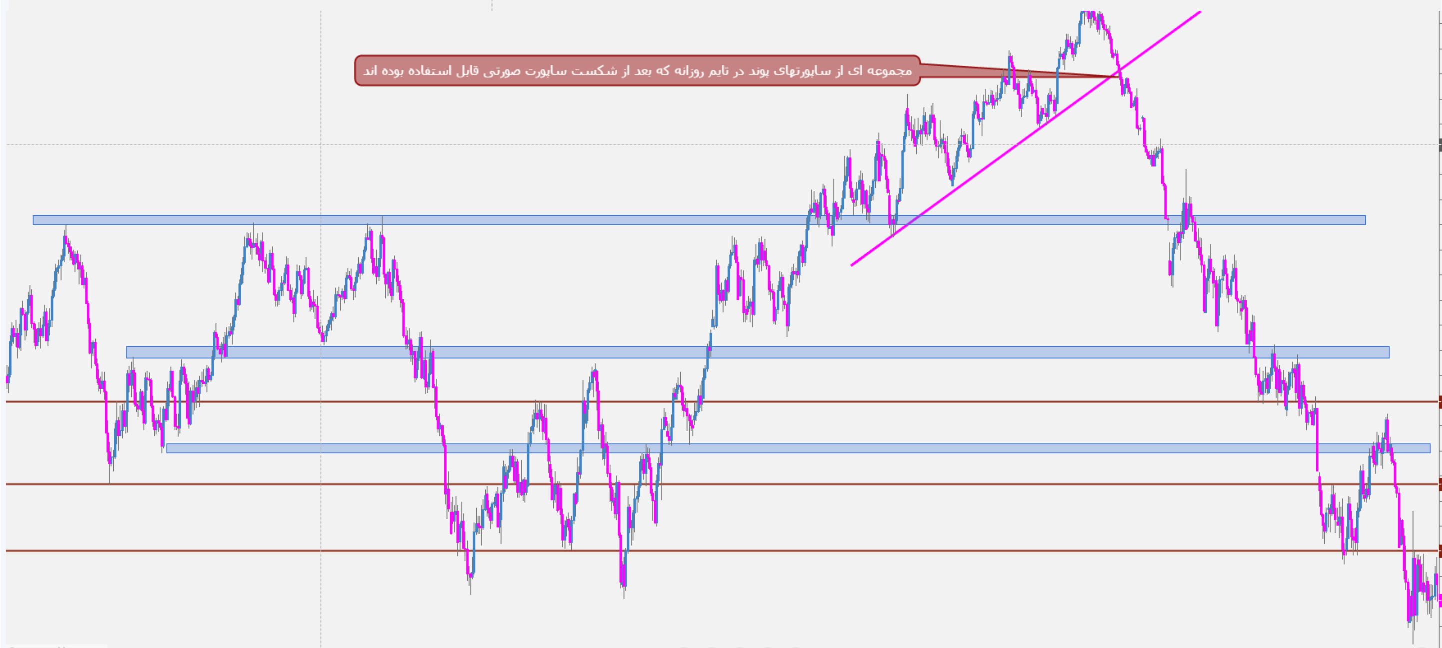
در مطالب بعدی اموزش کامل و جامعی از پترنها خواهیم داشت . پترنها نیز کمک بسیاری برایاستفاده ساپورت و رسیستنس دارند که در ان بخش مثالهای زیادتری در مورد ترید با شرایط متفاوتخواهیم داشت.

در زیر به چند مثال دیگر نگاهی داریم :


تبدیل رسیتنس به ساپورت


تبدیل ساپورت به رسیستنس




مجموعه ای از ساپورتهای پوند در تایم روزانه که بعد از شکست ساپورت صورتی قابل استفاده بوده اند

موفق باشید

چه تفاوتی بین یک تریدر تازه کار و یک تریدر حرفه ای وجود دارد ؟

- تریدر تازه کار در این فکر است که چه مقدار سود می تواند بدست اورد
- تریدر حرفه ای در این فکر است که چه مقدار ضرر خواهد کرد

این را همه میدانیم که در همه تصمیمات زندگی موفق نیستیم و این تصمیمات در زمانهای مختلف نتیجه مثبت یا منفی دارند .در مارکت فارکس نیز هر تصمیمی میتواند نتیجه ای شبیه تصمیمات زندگی ما داشته باشد اما برای موفق شدن می توان با یک برنامه و مدیریت صحیح در قبال سرمایه خود انجام داد و به موفقیت رسید .

- به عنوان یک تریدر باید قبول کنیم که ضرر جزیی از این مارکت می باشد
- استفاده از استاپ لاست برای حمایت از سرمایه شماست
- نباید اجازه دهید احساسات شما چه در زمان سود و چه در زمان ضرر فکر و مغز شما را کنترل کند

Basic of Money Management

قدم اول :

قبل از وارد شدن به ترید باید بدانیم چه زمانی قصد خروج از ترید را داریم , به طور ساده تر برای یک تریدر باید مشخص باشد در صورت زدن تی پی و یا استاپ در کجا از ترید خارج می شود .

داستان یک تریدر بدون هدف :



یک تریدر حرفه ای به هیچ عنوان در تصمیم خود تغییر ایجاد نمیکند ! و به این امید نخواهد بود که روند به سمت او برگردد . در تصویر بالا سناریویی را مرور کردیم که بلای جان بسیاری از تریدرهای تازه کار و حتی تریدرهایی است که شاید یک یا دو سال نیز به ترید مشغول هستند . این سناریو معروف دلیل اصلی ضرر زیاد و حتی رسیدن به کال مارجین می باشد .



Margin called.

باید درهر زمانی که قصد ورود به ترید را داریم تصمیمات خود را بر اساس منطق تحلیل پیاده کنیم و از گرفتن تصمیمات احساسی جدا خودداری کنیم .شاید برای همه ما این اتفاق افتاده باشد که پوزیشنی را باز کرده ایم و روند بر خلاف جهت

تصمیم ما حرکت کرده است , پوزیشن را دستی می بندیم و ناگهان روند به مسیری که مد نظر ما بوده است بر میگردد . در این حالت تریدر تازه کار به افسوس خوردن و اه ناله می پردازد اما یک تریدر حرفه ای تصمیمی بر اساس منطق میگیرد و زمان را از دست نمیدهد . پس قبل از باز کردن پوزیشن :

- **زمان و مکان خروج را مشخص کنید**
- **مقدار ریسک خود را بدانید**
- **مکان سود خود را در نظر بگیرید**

قدم دوم :

باید مقدار ریسک خود را به صورتی تعیین کنید که مقدار سود شما در زمانی که تحلیل درست داشتید از مقدار ضرر شما در زمان تحلیل نادرست بیشتر باشد.می توان اینطور تصمیم گرفت که در زمانی که تحلیل ما درست بود 2 دلار سود کنیم و زمانی که روند بر خلاف تحلیل ما حرکت کرد 1 دلار ضرر کنیم . اما چطور می توان به این موفقیت دست یافت ؟ موارد بسیار مهمی که باید در نظر گرفت :

1. مقدار ریسک و مدیریت سرمایه خود را بر اساس مقدار دلار (بر حسب اینکه ارز محاسباتی اکانت تریدر دلار باشد) محاسبه کنید نه پیپ . اشتباهی که بیشتر تریدرهای تازه کار انجام میدهند قراردادن استاپ لات و تی پی بر اساس مقدار پیپ است نه محاسبه ارزشی دلار . مقدار ارزشی پیپ هر کراس با کراس دیگر متفاوت است . مثلا قرار دادن استاپ 20 پیپی در EUR/GBP دلار ارزشی بیشتری از شما مصرف میکند تا یک استاپ 20 پیپ در ارز یورو در مقابل دلار . در اینجا همیشه می توانید مقدار پیپ را محاسبه کنید .
2. زمانیکه 3 پوزیشن سود ده داشته اید برای پوزیشنهای اینده باید در نظر گرفت که مقدار ریسک را افزایش ندهید در غیر اینصورت یک ترید ضررده می تواند سود 3 پوزیشن قبلی را پاک کند و حتی روز شما را با ضرر به پایان برساند . بهترین حالت ممکن می تواند استفاده از ریسک به ریوارد معمولی 1:2 باشد . این به این معنی است که در قبال 1 دلار تعیین ضرر 2 دلار مقدار سود تعیین کنید .

قدم سوم :

مدیریت ترید یکی از مهمترین تصمیماتی است که یک تریدر باید در نظر بگیرد . سناریوی زیر برای همه تریدرها اتفاق افتاده است و در اینده نیز تکرار خواهد شد .



برای رهایی از این مشکل باید مدیریت ترید داشته باشید .در قدم دوم در مورد ریسک به ریوارد صحبت کردیم . تریدر مقدار **1:2** ریسک خود را در نظر گرفته است اما این به این معنی نیست که تریدر حتما و حتما باید این مقدار را سود کند . تعیین مقدار ریسک برای دانستن هدف مشخص و کنترل مارجین برای جلوگیری از کال شدن می باشد . این هدف با قبول اجرا کردن ریسک به ریوارد تحقق خواهد یافت اما باید مدیریت شود . سناریوی تصویر بالا را در زیر با مدیریت یک تریدر موفق دوباره بررسی میکنیم :



در تصویر بالا تریدر با هر مقدار بالا رفتن روند مکان استاپ لاس خود را تغییر داده است در مرحله اول تریدر استاپ را به محدوده بریک ایون انتقال میدهد .و سپس ان را در 2 مرحله حرکت داه است و سرانجام روند قبل از رسیدن به تی پی برگشته و استاپ را زده است . اما تریدر باز هم موفق شده است به سود مناسبی دست پیدا کند . لطفا دوباره و دوباره این 2 سناریو را مرور کنید .

مدیریت اکانت :

بر اساس دانسته های بالا و محاسبه ارزش پیپ چگونه باید لاتهای پوزیشن خود را مشخص کنید ؟

تصور کنید بالانس شما **5000** دلار می باشد و پوزیشنی به مقدار **25** لات باز می کنید .در این حالت هر پیپ شما **25** دلار در ارز **EURUSD** ارزش خواهد داشت.مقدار استاپ خود را **100** پیپ در نظر گرفته اید که در این حالت شما **50** درصد اکانت خود را به مقدار **2500** دلار در مارکت قرار داده اید که خیلی منطقی نیست . یک تریدر موفق بیشتر از **5%** ریسک نمیکند و پیشنهاد میکنیم که مقدار ریسک را بین **2** و **3** درصد در نظر بگیرید .

مثالی را با **5000** دلار دوباره در نظر میگریم . **5%** ریسک معادل **$250** خواهد شد . این مقدار ریسک تریدر در روز تریدری خواهد بود . تصمیماتی که باید در این زمان انجام دهید می تواند اینگونه باشد :

- مقدرا ضرر خود را مشخص کنید
- مقدار ارزشی پیپ را در نظر بگیرید

زمانی است که تریدر تصمیم به باز کردن پوزیشن میگیرد . **2** ارز دارای موقعیت خوب برای ترید هستند . دلار در مقابل ین و یورو در مقابل پوند . تریدر میداند که مقدار ریسک او اجازه ریسکی بیشتر از **$250** دلار به او نمی دهد . **180** پیپ مقداری است که هر **2** ارز برای استاپ نشان میدهند . در ارز دلار ین این مقدار معادل **145** دلار ضرر خواهد بود

و در ارز یوروپوند 280 دلار خواهد شد . پس برای تریدر کاملا مسخص است که یوروپوند خارج از مقدار ریسک محاسباتی است و تنها می تواند دلار در مقابل ین را معامله کند .

حالت دوم به اینصورت است که یورو پوند سیگنال قویتری صادر کرده است و تریدر بیشتر تمایل به باز کردن این پوزیشن دارد تا دلار در مقابل ین . در این حالت تریدر نمیتواند بیشتر از 160 پیپ مقدار استاپ در نظر بگیرد (250 دلار تقسیم بر ارزش پیپ یورو پوند) اگر این 160 پیپ توسط سیستم و تکنیک تریدری تریدر تایید بشود میتوان وارد این پوزیشن شد .

ترید بدون مدیریت ریسک مانند رانندگی با چشمان بسته است

Advance Money Management

درس پیشرفته مدیریت سرمایه :

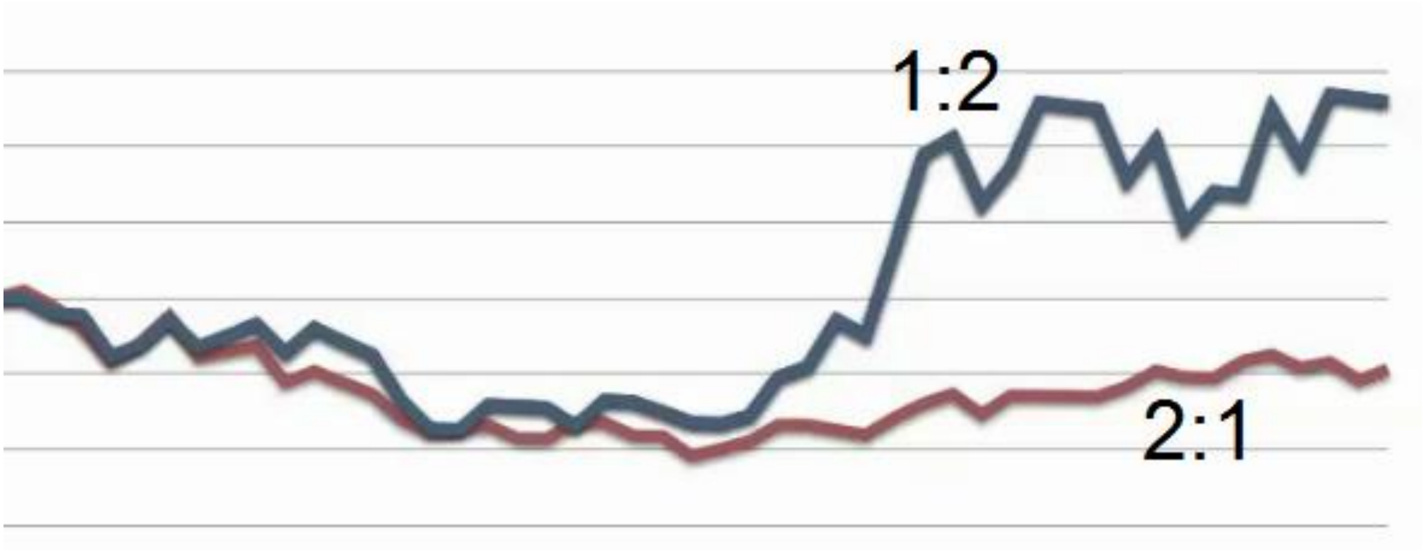
در درس اول اصل اولیه مدیریت سرمایه را یاد گرفتید . اگر همچنان در درک ان مشکل دارید پیشنهاد میکنم تمرین و دوباره تمرین کنید و به خود قول دهید تا داشتن یک مدیریت سرمایه مناسب که مطابق با بالانس شماست ترید لایو انجام نخواهید داد .

در این بخش به صورت مفصل تر و با مثالهایی بیشتر مدیریت سرمایه را مورد بررسی قرار خواهیم داد . لطفا بدون درک صحیح از درس اول این بخش که درس دوم است را مطالعه نکنید .

در اینجا 2 سناریوی 6 ماهه یک اکانت را با 5% مقدار ریسک در نظر میگریم که اولی بر اساس ریسک 1:2 و دیگری ریسک به ریوارد 2:1 می باشد . در هر 2 سناریو مقدار ضرر 100 پیپ به صورت فیکس در نظر گرفته شده است . در ادامه نام سناریوی اول را الفا و سناریوی دوم را بتا ذکر میکنیم .

در الفا مقدار سود شما 200 پیپ در نظر گرفته خواهد شد زیرا مدیریت ریسک ما اینطور تعیین شده است .

در بتا مقدار سود شما 50 پیپ خواهد بود زیرا مدیریت ریسک ما مقدار سود را نصف مقدار ضرر تعیین میکند .



نمودار بالا شبیه سازه شده این 2 سناریو در طول این 6 ماه می باشد (تصویر از fxcm گرفته شده است) . که مقدار موفقیت را در ریسک به ریوارد 1:2 مشاهده می کنید . وقتی به نمودار توجه میکنید متوجه می شوید که علاوه بر سود دهی بیشتر در زمان ضرر نیز الفا ریکاوری سریعتری نسبت به سناریوی بتا داشته است.

در الفا شما شاهد نتیجه های بهتری نیز خواهید بود . مهمترین انها :

- با مقدار پوزیشن کمتربه موفقیت بیشتری دست پیدا کرده اید
- میانگین پیپ در مقابل ترید نسبت به بتا بسیار پایین تر بوده است
- مقدار تریدهای موفق تنها 40 ترید بوده است در صورتیکه بتا 60 ترید موفقیت داشته است

در مثال شبیه سازی شده بالا مشاهده می کنید که حتی با 60 درصد ترید ضرر ده همچنان می توان سوده دهی مکرر داشت.

: Leverage

یکی دیگر از مهمترین بخشهای مدیریت سرمایه دانستن لوریج می باشد . ذهنیت نادرستی که بر اساس تبلیغات زیاد بروکرهای نامعتبر بر تریدرهای تازه کار وارد می شود و بر این باور هستند که لوریج زیاد راز موفقیت در این مارکت است . این ذهنیت اولین دلیل کال مارجین شدنهای بسیاری از شماست . لوریج بالا مقدار دلار بیشتری در زمان ضرر از شما میگیرد . اگر به سناریوی الفا برگردیم ممکن است با لوریج 1:400 این سناریو نیز به کال مارجین رسیده بود و موفقیتی حاصل نشده بود .

در زیر به مثالی در این زمینه توجه میکنیم : (این مثال از سایت Fxcm گرفته شده است)

تریدر الفا 50 لات AUD/USD خریدرای کرده است و تریدر بتا تنها 5 لات این ارز را می خرد . در جدول زیر به این نکته توجه کنید که وقتی 100 پیپ هر 2 ترید وارد ضرر می شود .

	TRADER A	TRADER B
Account Equity	$10,000	$10,000
Notional Trade Size	$500,000 (Buys 50, 10K lots)	$50,000 (Buys 5, 10K lots)
Leverage Used	50:1 (50 times)	5:1 (5 times)
100 Pip Loss in Dollars	-$5,000	-$500
% Loss of Equity	50.0%	5.0%
% of Equity Remaining	50.0%	95.0%

تریدر الفا با لوریج **1:50** در حدود **50** درصد سرمایه خود را از دست داده است در صورتیکه تریدر بتا تنها **5%** ضرر کرده است .

پیشنهاد ما برای شما این است که با سرمایه بالاتر از **1000** دلار لوریجی بیشتر از **1:200** استفاده نکنید . هر چه سرمایه بیشتر باشد در مقابل ان سعی کنید لوریج خود را کمتر در نظر بگیرید .

مدیریت ترید :

در درس اول به مبحث مدیریت ترید پرداختیم و در اینجا به صورت پیشرفته به این نوع مدیریت نگاهی می اندازیم .

در نمونه های زیر ما **3** نوع تریدر با سبک متفاوت در نظر گرفتیم . که هر **3** بر روی ارز **AUD/USD** قصد ترید داشته و نوع مدیریت ترید این تریدرها را بررسی میکنیم . هر **3** نیز قصد فروش بر روی این ارز را دارند . مستطیل ابی منطقه لایو مارکت در نظر گرفته شده است .

تریدر اول پوزیشن خود را باز میکند و مقدار ضرر و سود خود را بر اساس شکل زیر تعیین میکند .



تریدر دوم با کمی صبر به گونه زیر عمل می کن



و تریدر سوم نیز به گونه زیر اقدام به فروش می کند :



این 3 تریدر همگی بر اساس قوانین یاد داده شده عمل کرده اند با 5% حداکثر ریسک و ریسک به ریوارد 1:2, به نظر شما کدام موفق تر بوده است ؟

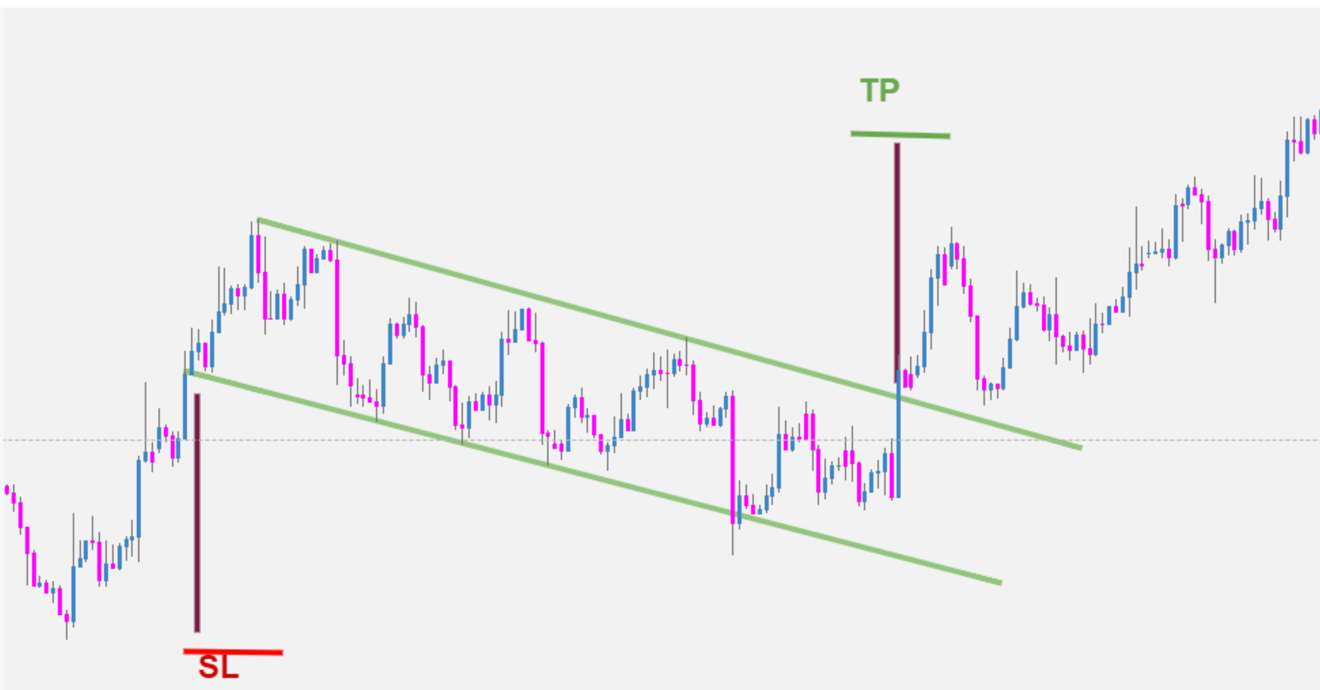
Stop Loss :

نوشتیم یک تریدر حرفه ای همیشه مقدار ضرر خود را مشخص میکند . در اینجا به چند نکته کمکی در مورد استاپ لاس خواهیم پرداخت. مثالهای زیر بر اساس اصول اولیه چارت در نظر گرفته شده است و سیستم یا تکنیک خاصی مد نظر ما نیست.

استاپ لاس با توجه به خط روند :



استاپ لاس با توجه به پترن :



استاپ لاس با در نظر گرفتن جیشین ریترسمنت :



استاپ لاس با توجه به رسیتنس : (در این حالت لوی قبل از رسیتنس بهترین نقطه برای استاپ می باشد و معکوس برای ساپورت)



امیدوارم مطلب اموزشی کاربرد مناسبی برای شما داشته و بتوانید یک مدیریت ریسک و سرمایه مناسب برای خود بنویسید .

لینک زیر برای کمک به مدیریت ریسک می تواند مورد استفاده قرار گیرد .

مدیریت ریسک

ارزوی موفقیت برای شما دوستان عزیز

کریس

Chart Patterns

کندل استیک پترن

یا همان چارت پترن یکی از محبوبترین روشهای ترید بوده است . شاید دلیل اصلی ان استفاده بسیار ساده و دادن دید مناسب برای ورود و خروج از ترید می باشد. در این بخش به معرفی معروفترین پترنها خواهیم پرداخت . در ادامه نیز پترنهای مخفی را معرفی خواهیم کرد که عمومیتی ندارند اما بسیار تاثیر گذار هستند و به دید تریدر کمک زیادی میکند .

Reversal Patterns

در این بخش به بررسی پترنهای برگشتی یا Reversal خواهیم پرداخت .

Double Top

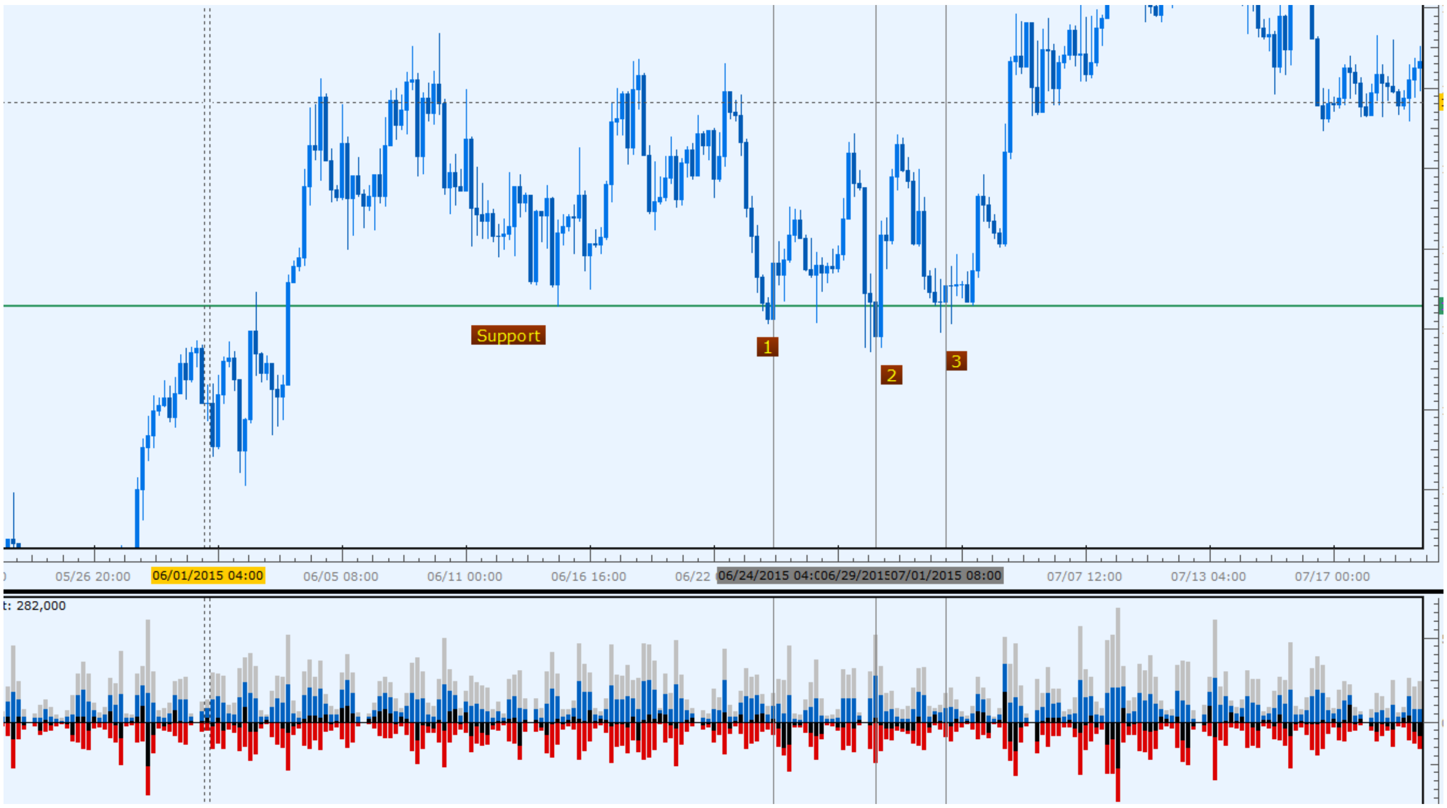
پترن دبل تاپ به عنوان پترن نزولی – تغییر روند از صعود – شناخته می شود . این پترن از طریق 2 هایست های هم ردیف یا هایست های – لوور های نزدیک بهم شکل می گیرد



عمومی ترین نوع استفاده از این پترن استفاده از شکست ساپورت یا به نوعی گردن پترن می باشد . بعد از تبدیل شدن ساپورت به رسیستنس و بسته شدن کندل می توان وارد ترید نزولی شد . در زیر به چند نکته کلیدی در مورد این پترن خواهیم پرداخت :

1. اگر زمان تشکیل دست دوم و حمله برای شکست ساپورت مدت زیادی طول بکشد – با توجه به دوره تشکیل دست اول تا قله اول – این پترن می تواند درصد بالایی reverse انجام ندهد و ادامه روند همچنان صعودی باشد .

2. دبل تاپهایی که در هایست های و یا اگر بهتر بنویسم در امتداد یک روند صعودی بلند مدت شکل بگیرند دارای اعتبار بیشتری هستند . گاهی در بین کارکشنهای بزرگ در یک روند نزولی تریدر ممکن است یک دبل تاپ را مشاهده کند که این می تواند اعتبار و ارزش کمتری داشته باشد .
3. با توجه به 2 نکته بالا می توان با استفاده از تایم فریمهای مختلف به قدرتمند بودن دبل تاپ اطمینان بیشتری داشته باشید . به عنوان مثال تریدر در تایم 30 دقیقه این پترن را مشاهده می کند اگر این پترن در تایم 1 ساعته و 4 ساعته نیز مشاهده شود دارای قدرت کارایی خوبی خواهد بود . و اگر در تایم روزانه و هفتگی هم دیده شود نشان از یک روند نزولی بلند مدت خواهد بود .
4. استفاده از Volume برای اطمینان از قدرت شکست ساپورت – گردن – با کمک از Volume میتوانید قدرت پشت روند نزولی و شکست را تایید کنید



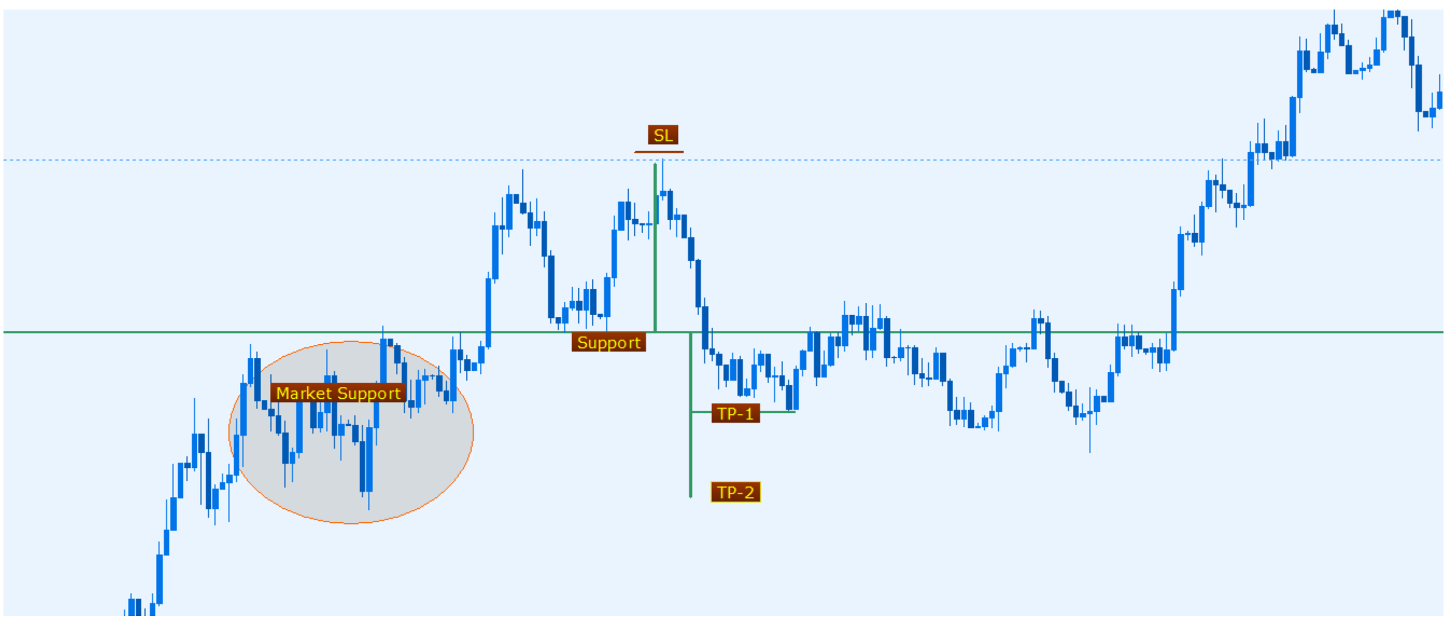
در شکل بالا مشاهده می کنید 3 حمله به ساپورت انجام شده است و سرانجام ادامه روند صعودی شکل گرفته است . لو شماره یک و سه دارای Volume ضعیفی بوده است . و در لوی شماره 2 شکستی صورت نگرفته است و لوی شماره 2 و 3 زمان زیادی را برای حمله به ساپورت و شکست نسبت به دوره زمانی دست اول تا قله اول صرف کرده اند .

5- استفاده ازجچشین ریترسمنت یا فیبوناچی برای تایید شکست ساپورت توسط دست دوم پترن نیز می تواند از ابزارهای مهم کمی باشد .



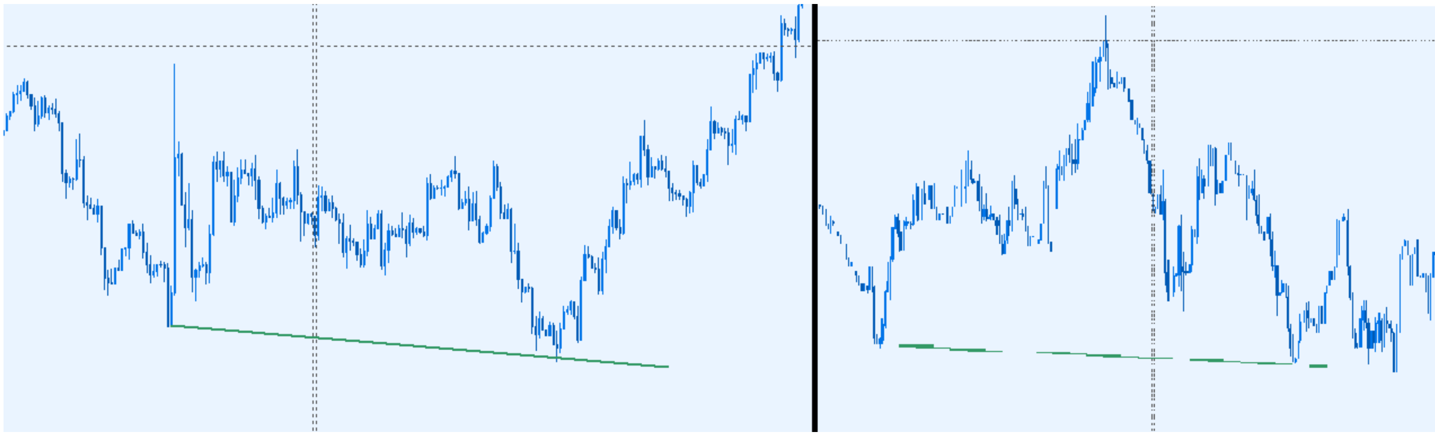
برگشت دست دوم نباید از 52% جیشین ریترسمنت و یا 50% فیبو عبور کند . در عکس بالا 2 دایره زرد رنگ نشان می دهند که در زمان تشکیل دست دوم کندلها به بالای 52% رفته و احتمال نزول را کمتر کرده . جیشین یا فیبو باید از هایست های دبل تاپ تا لویست لو گردن رسم شود .

6- تریدر با توجه به مدیریت سرمایه خود می تواند استاپ را در بالای هایست های و تی پی اول را 50 درصد نسبت به مقدار اندازه هایست های تا خط ساپورت قرار دهد . البته ساپورتهای گذشته مارکت نیز می تواند مد نظر باشد , و در صورت ادامه روند تا اندازه کامل حجم پترن حرکت کرد . مثالی در شکل زیر :



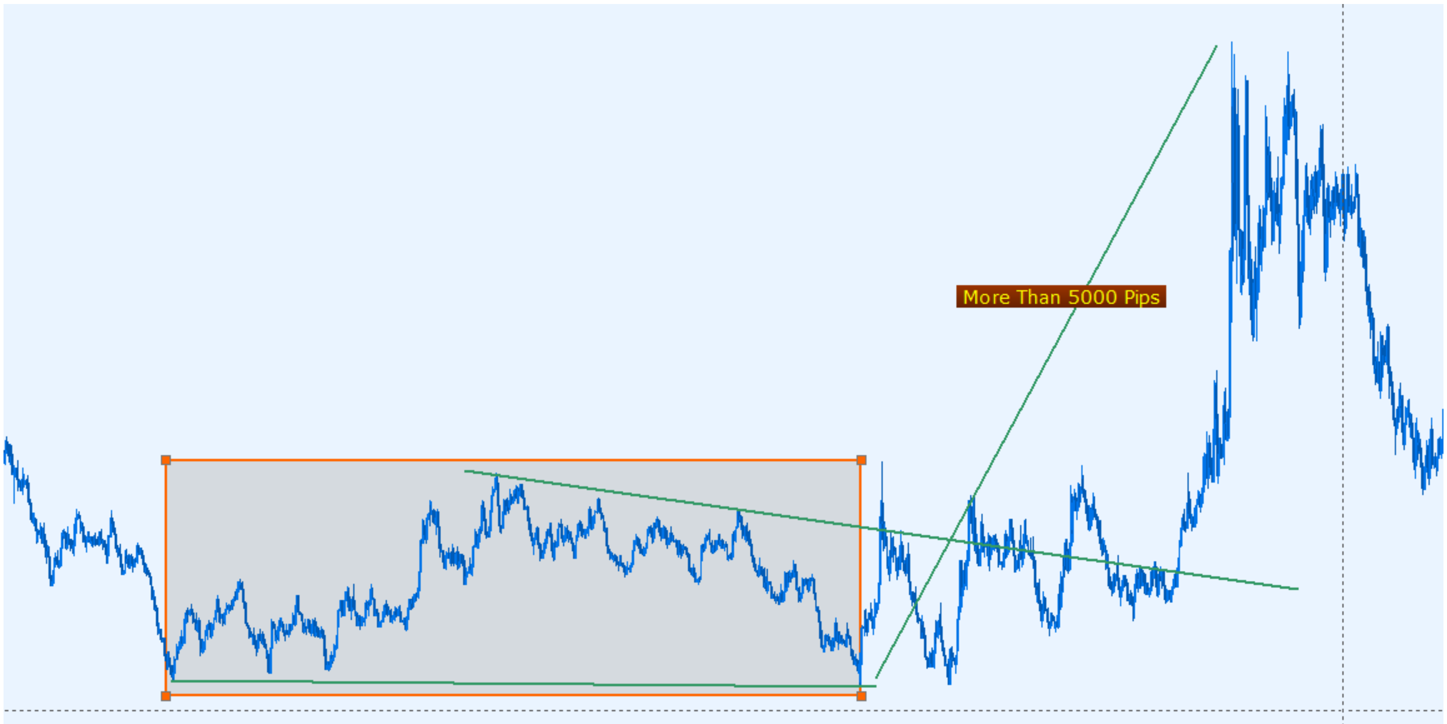
Double Bottom

دبل باتم پترن برگشتی صعودی – امتداد روند نزولی – می باشد . این پترن در انتهای یک روند نزولی بلند مدت و بر اساس 2 هایست لو در امتداد یکدیگر یا یک هایر لو و یک لویست لو شکل میگیرد . فاصله این 2 لو نباید بیشتر از 10 تا 20 درصد از یکدیگر باشد .



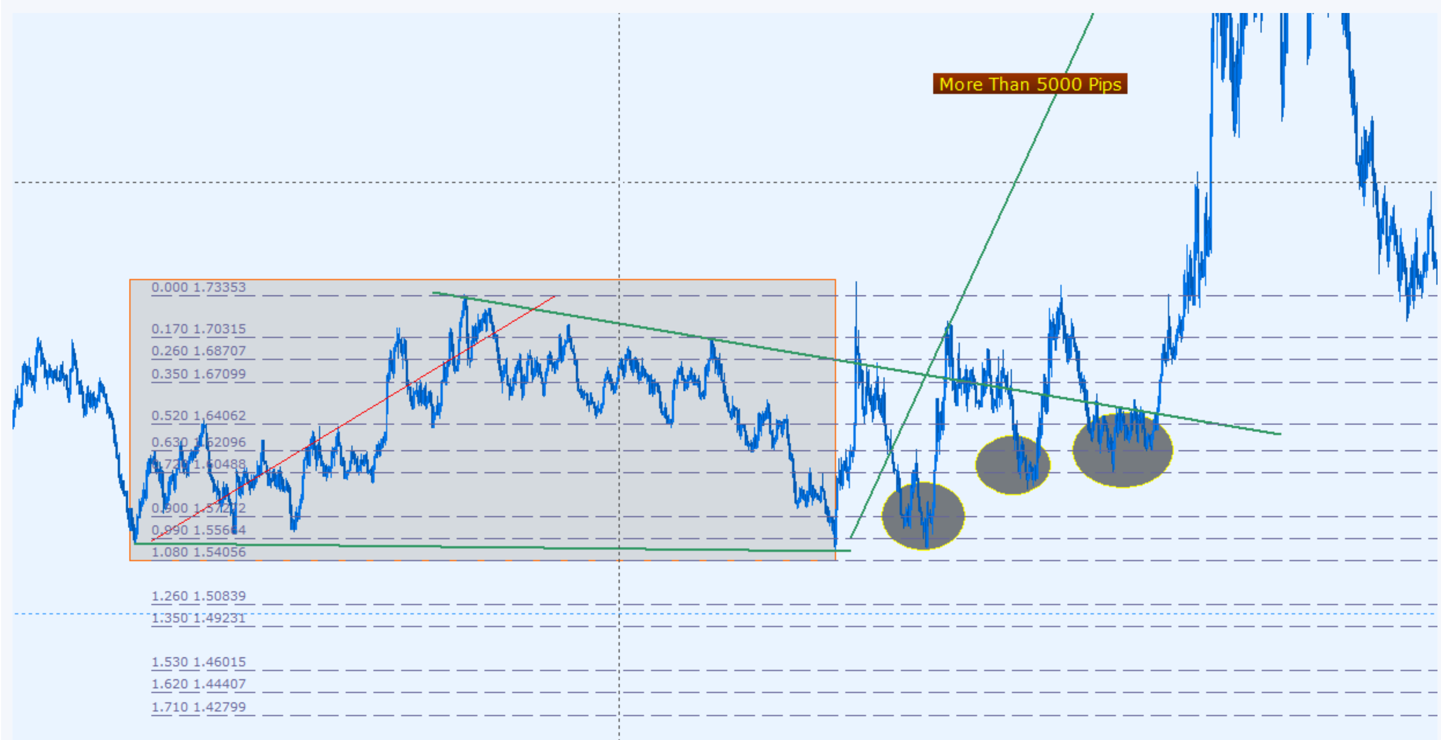
این پترن تغییر بلند مدت روند نزولی را به ما نشان می دهد . دبل باتم می تواند اشکال متفاوتی در قسمت های خود داشته باشد در تصویر بالا 2 نمونه را مشاهده میکنید . بهترین زمان ورود برای خرید شکست هایست های در تصویر سمت چپ و شکست خط رسیستنس در تصویر سمت راست می باشد . در زیر به چند نکته کلیدی در مورد این پترن خواهیم پرداخت :

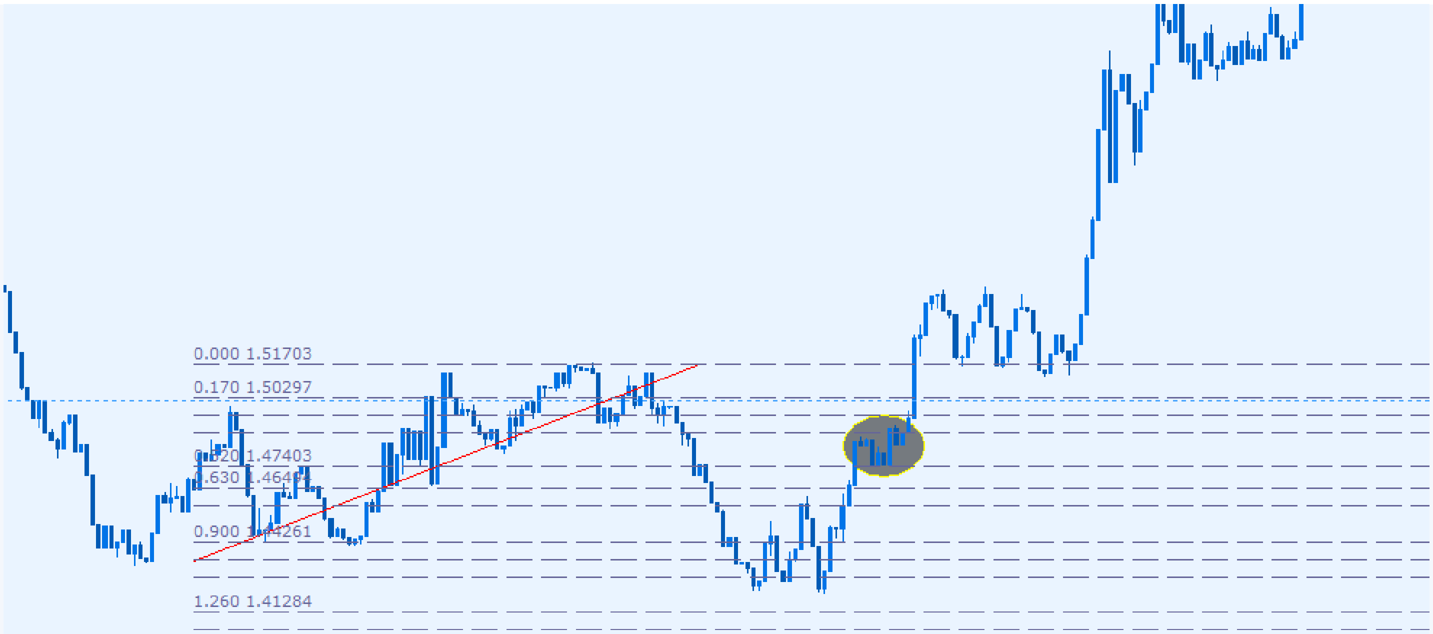
1. اگر زمان تشکیل دست دوم و حمله برای شکست رسیستنس مدت زیادی طول بکشد – با توجه به دوره تشکیل دست اول تا هایست لو گردن – این پترن می تواند درصد بالایی reverse انجام ندهد و ادامه روند همچنان نزولی باشد .
2. اگر این پترن در امتداد یک روند نزولی بلند مدت شکل بگیرند دارای اعتبار بیشتری است . گاهی در بین کارکشنهای بزرگ در یک روند صعودی تریدر ممکن است یک دبل باتم را مشاهده کند که این می تواند اعتبار و ارزش کمتری داشته باشد .
3. با توجه به 2 نکته بالا می توان با استفاده از تایم فریمهای مختلف به قدرتمند بودن دبل باتم اطمینان بیشتری داشته باشید . به عنوان مثال تریدر در تایم 30 دقیقه این پترن را مشاهده می کند اگر این پترن در تایم 1 ساعته و 4 ساعته نیز مشاهده شود دارای قدرت کارایی خوبی خواهد بود . و اگر در تایم روزانه و هفتگی هم دیده شود نشان از یک روند صعودی بلند مدت خواهد بود .
4. استفاده از Volume برای اطمینان از قدرت شکست رسیتنس با کمک از Volume میتوانید قدرت پشت روندصعودی و شکست را تایید کنید



در تصویر بالا بعد از لوی دوم و تشکیل دبل باتم نوسانات شکست رسیتنس را مشاهده میکنیم . بر اساس اموخته های مدیریت سرمایه و نوع ترید با ساپورت و رسیتنس تریدر می تواند بهترین منطقه ورود به ترید را پیدا کند .

5- استفاده از چپشین ریترسمنت و یا فیبو برای تایید قدرت دبل باتم می تواند ابزار کمکی مناسبی باشد . ایده ال ترین نقطه ورود بالا رفتن روند از عدد 52% چپشین و یا 50 % فیبو می باشد . در تصاویر زیر این نکته به خوبی نشان داده شده است . با توجه به نکته های گفته شده در بالا و رسم چپشین در تصویر اول نقطه ورود ایده ال مشخص شده است . و در تصویر دوم به همین صورت .



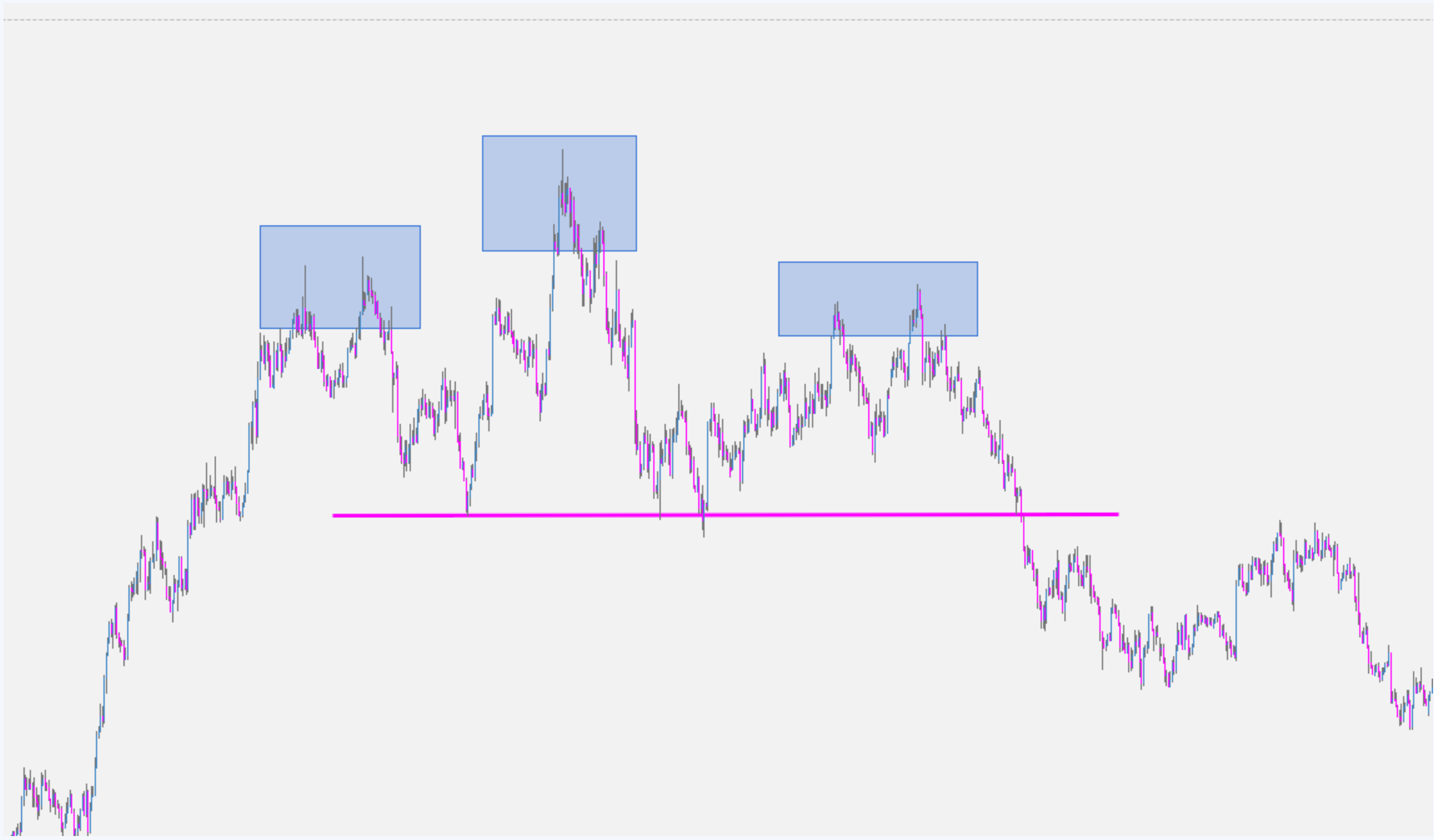


6- در تصویر زیر یک نوع قرار دادن استاپ و تی پی معرفی شده است . استاپ در زیر لویست لوی پترن و تی پی اول **50** درصد حجم پترن – مقدار بین لویست لو و های – و با توجه به رسیستنسهای گذشته مارکت می توان تی پیهای بیشتری نیز در نظر گرفت .



Head & Shoulder Top

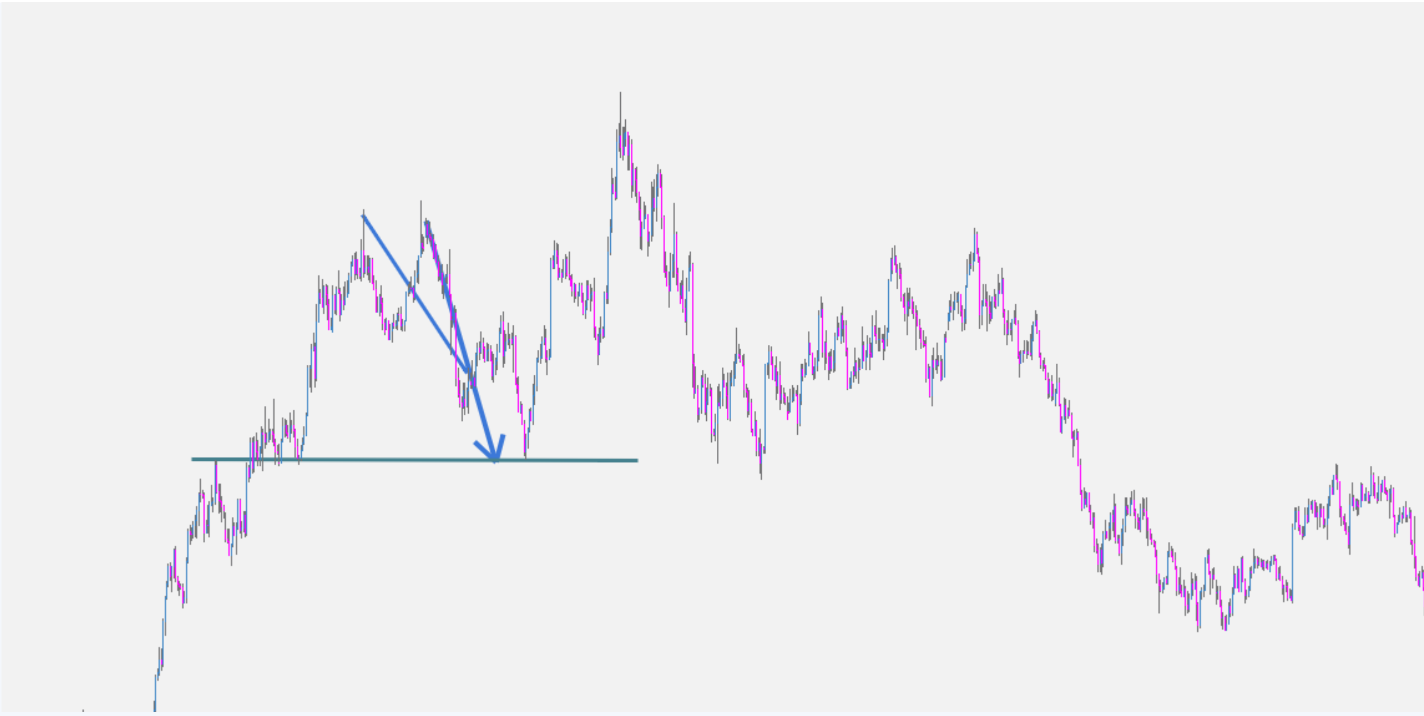
پترنهای سر و شانه بعد از یک روند صعودی شکل خواهند گرفت و اولین سیگنال تایید شده برای برگشت روند می باشند . شناختن این پترن بر مبنای 3 های (1 هایست های در وسط و 2 هایست لو در سمت راست و چپ) می باشد. همچنین واکنشهای مارکت به خط گردن در شکل گیری این پترن نقش بسزایی دارند . در تصویر زیر نمونه ای از این پترن را مشاهده می کنید .



باید در نظر داشته باشید که این نوع پترن به عنوان پترن **Reversal** یا برگشتی شناخته می شود و بهترین نوع استفاده از این پترن بعد از شکل گرفتن در یک مسیر صعودی بلند مدت می باشد . اگر این پترن در روندهای کارکشن شکل بگیرد دارای قدرت کمتر برای برگشت خواهد بود . در زیر به چند نکته مهم در مورد این پترن می پردازیم :

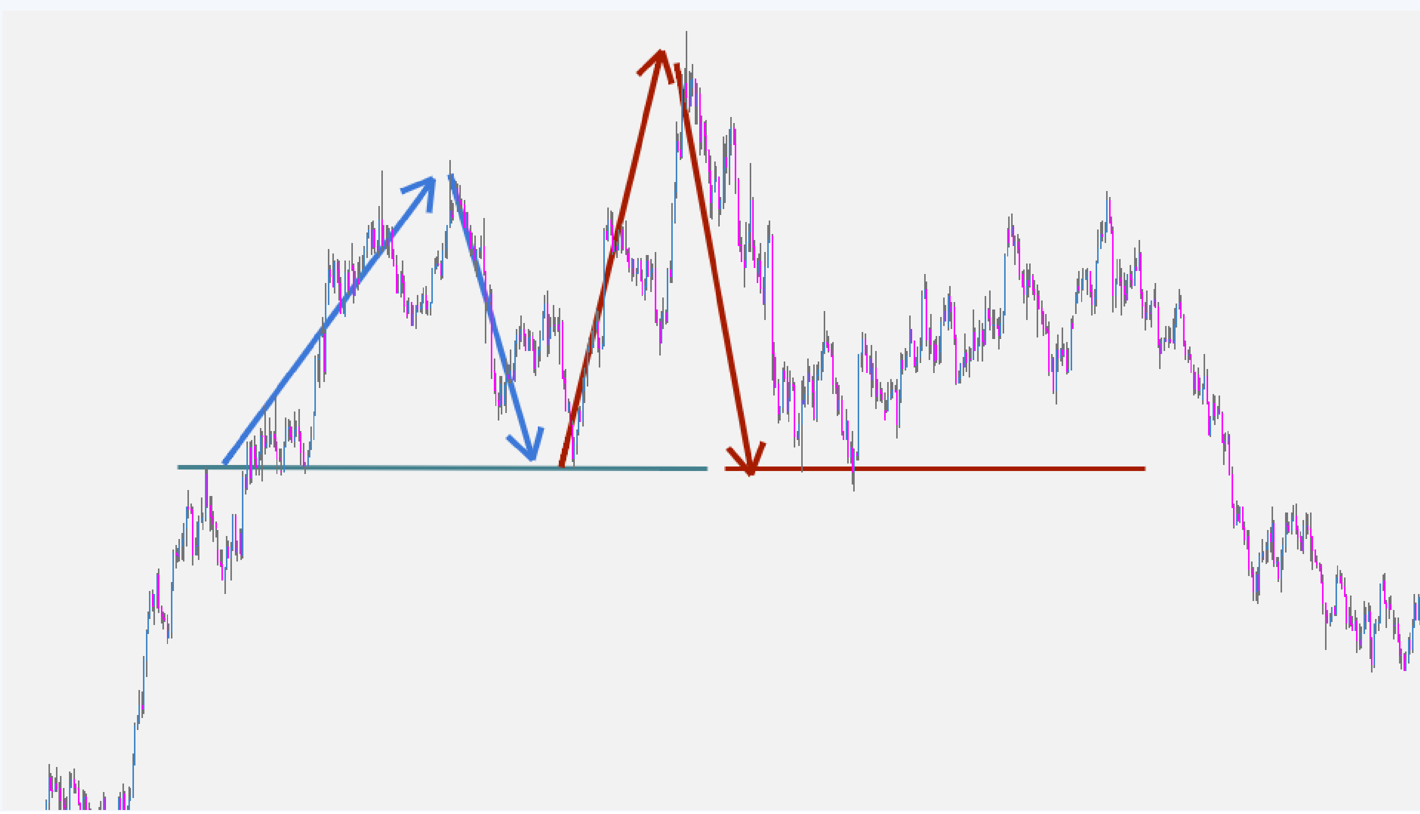
شانه سمت چپ :

در امتداد یک مسیر صعودی یک هایست های بعد از روند شارپ و باز گشت به ساپورت اغاز شکل گیری این پترن را نشان می دهد و شانه سمت چپ در حال شکل گیری می باشد .



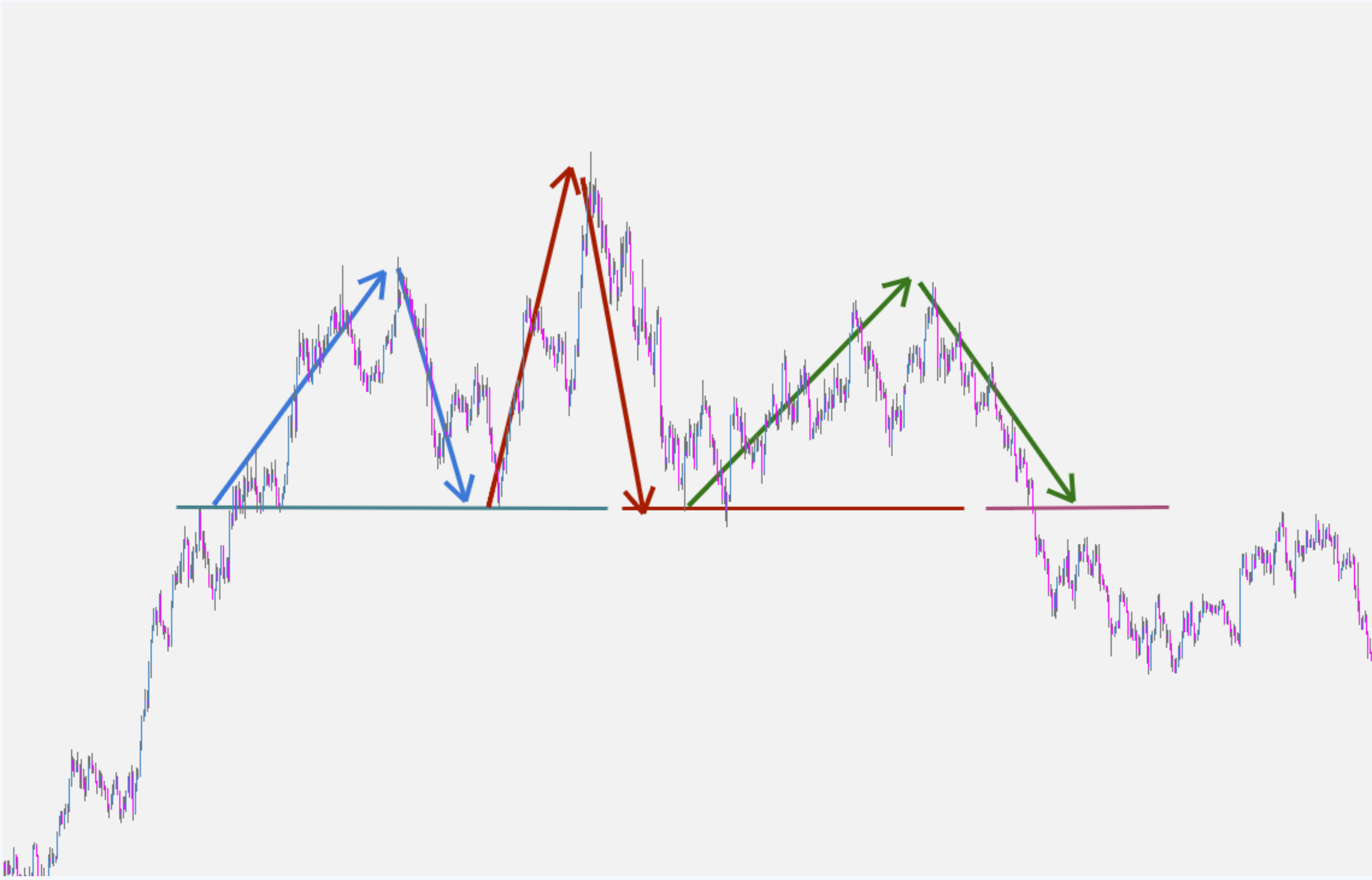
سر :

بعد از رسیدن به ساپورت و ادامه روند تا زدن های جدید علاوه بر تاییده تشکیل شانه سمت چپ روند نیز در حال تشکیل سر می باشد . تایید شدن سر این پترن بازگشت از هایست های به ساپورت شانه سمت چپ می باشد .



شانه سمت راست :

بازگشت از ساپورت و تشکیل های جدید . این های می تواند نسبت به شانه سمت چپ هایست های و یا هایست لو باشد اما نباید از های گردن بالاتر برود . و سپس باز گشت به ساپورت .



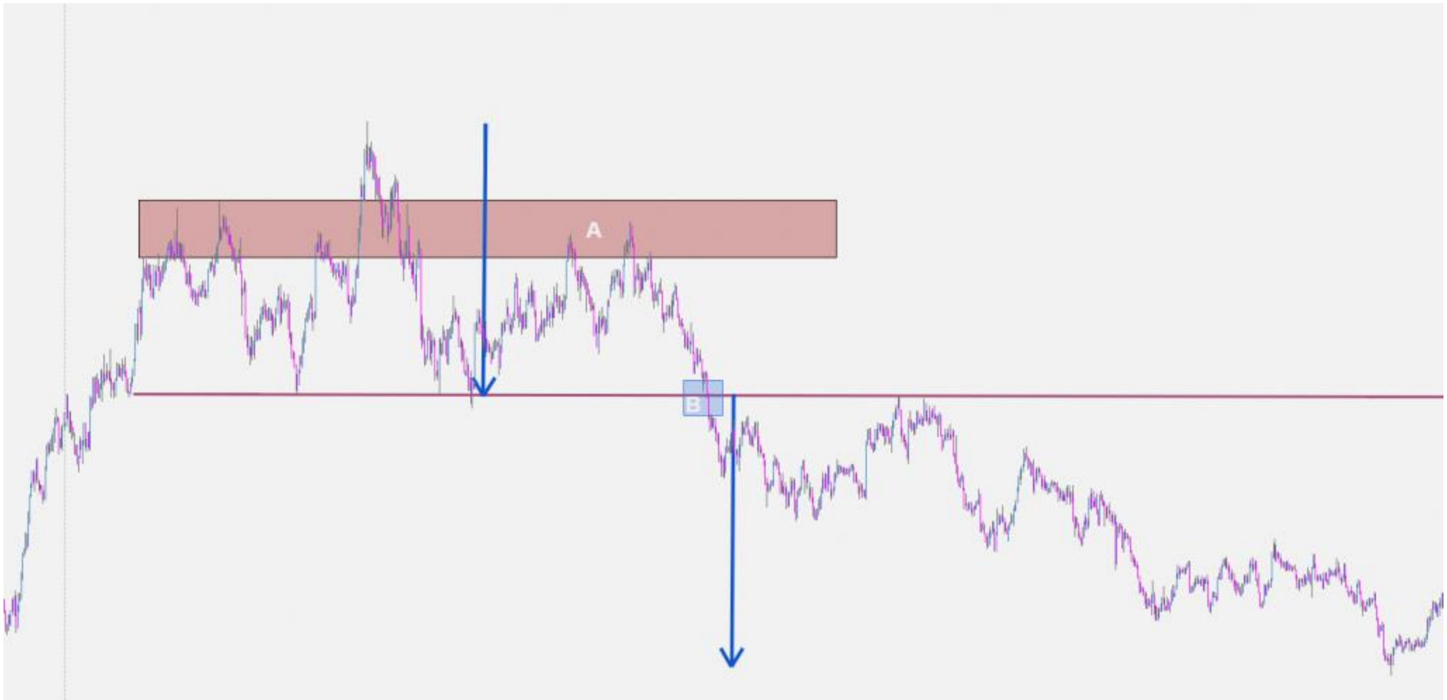
خط گردن :

ساپورت تشکیل شده از شانه سمت چپ – سر و شانه سمت راست را خط گردن می نامند که در تصاویر بالا به رنگ سبز – قرمز و بتفش قابل مشاهده می باشد . خط گردن مبنای اصلی ورود به ترید برای این پترن می باشد . شکست این سطح مقاومت و تبدیل ان از ساپورت به رسیستنس مهمترین سیگنال ورودی است که توسط بسیاری از تریدرها مورد استفاده قرار می گیرد .

ترید با پترن سرو شانه :

همانطور که در بالا اشاره کردیم شکست گردن بهترین نقطه ورود برای ترید می باشد و تریدرهایی با درصد ریسک مشخص و برنامه مدیریتی ترید این نقطه را برای ورود انتخاب میکنند. در شکل زیر نقطه B مشخص شده است . قرار دادن مقدار سود در این پترن مقدار فاصله سر این پترن تا خط گردن می باشد . به تریدر این پیشنهاد داده می شود که تی پی اول را 50 درصد این مقدار قرار دهد و تی پی دوم را 50درصد باقی مانده و مقدار استاپ بر اساس

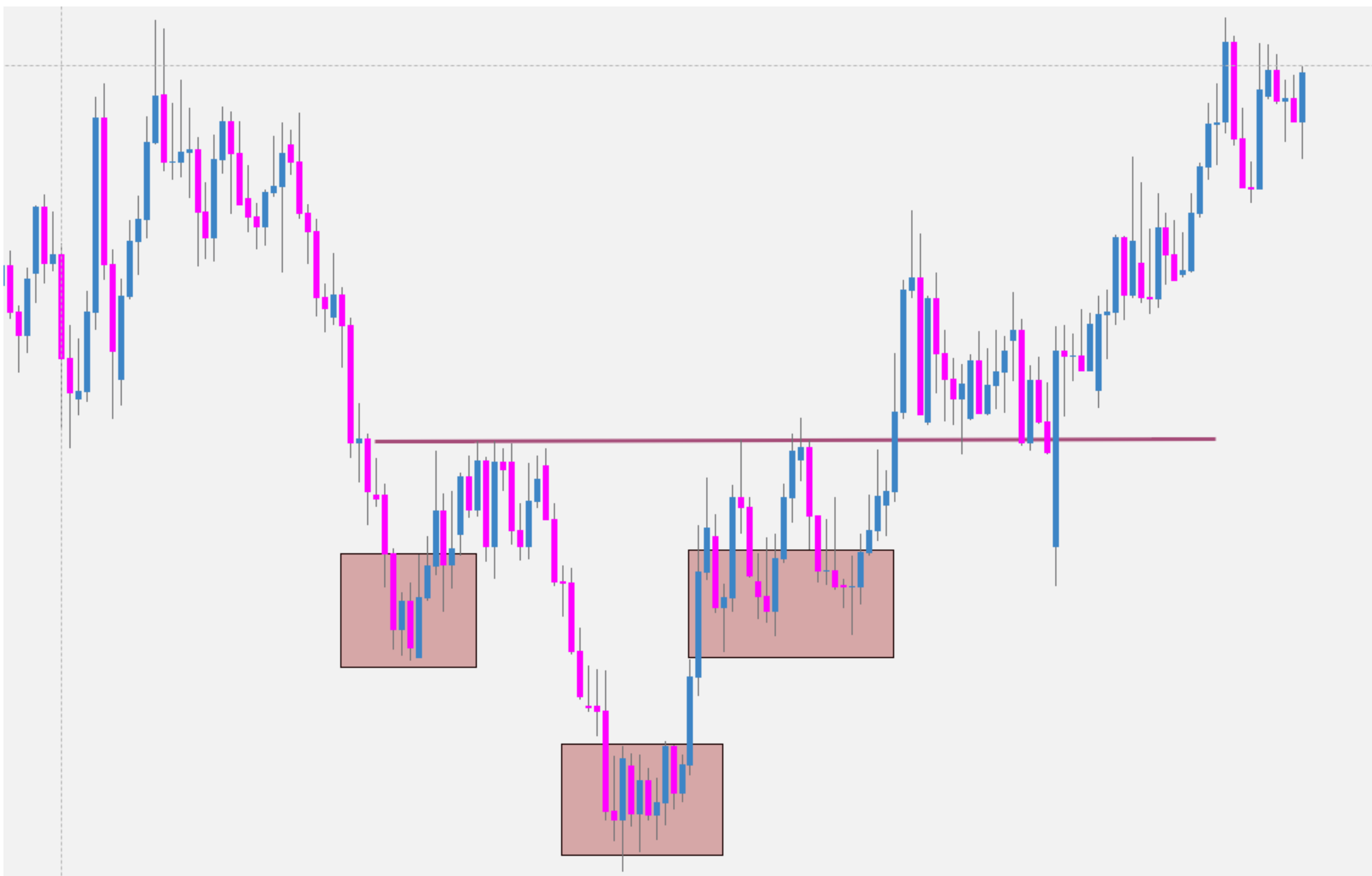
برنامه مدیریت سرمایه تریدر مشخص می شود . نقطه ایده ال برای بیشتر تریدرها قرار دادن استاپ در بالای های شانه سمت راست می باشد .



تریدرهایی نیز می باشند که در منقطه قرمز -A- اقدام به فروش میکنند و استاپ خود را در بالای هایست های و یا های سر قرار می دهند . این نوع تریدرها بعد از رسیدن های به محدوده رسیستنسی شانه اول -چپ- انتظار تشکیل این پترن را دارند و از منطقه قرمز اقدام به فروش میکنند . این روش دارای ریسک بالایی می باشد و زیاد توصیه نمی شود و دلیل ان به ذات و خاصیت روانی این پترن بر می گردد . اگر به ذات روانی پشت این پترن توجه کنیم میدانیم که میلیونها تریدر در انتظار شکست خط گردن هستند تا وارد پوزیشن سل شوند و این قدرت Volume شکست بعد از گردن را زیاد میکند .

Head & Shoulder Bottom

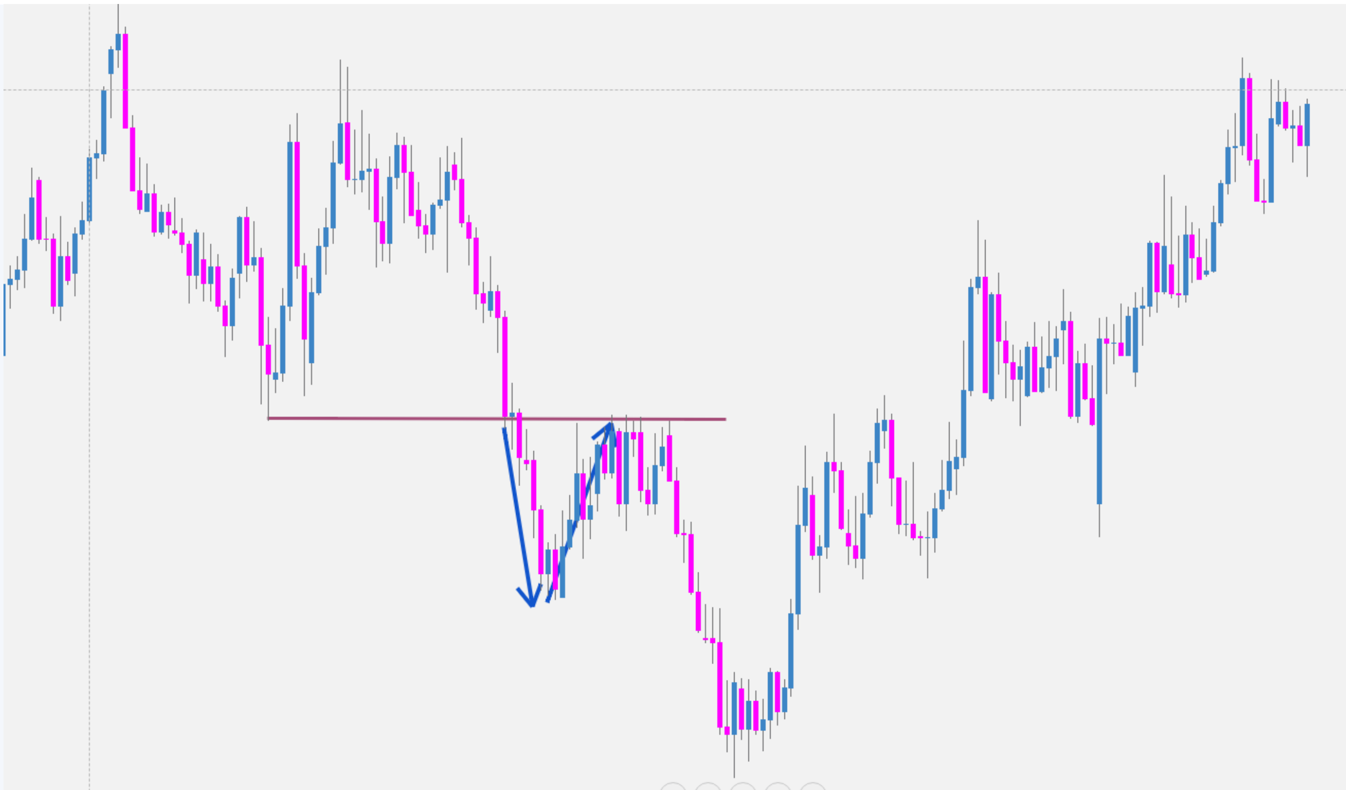
این نوع پترن سر و شانه در امتداد یک روند نزولی بلند مدت شکل میگیرد . شناخت این پترن بر مبنای 3 لو (یک لویست لو در وسط و 2 هایر لو در سمت راست و چپ) می باشد . واکنشهای روند به خط رسیتنس مبنای اصلی و نشان دهنده تشکیل این پترن می باشد.



باید در نظر داشته باشید که این نوع پترن به عنوان پترن Reversal یا برگشتی شناخته می شود و بهترین نوع استفاده از این پترن بعد از شکل گرفتن در یک مسیر نزولی بلند مدت می باشد . اگر این پترن در روندهای کارکشن شکل بگیرد دارای قدرت کمتر برای برگشت خواهد بود . در زیر به چند نکته مهم در مورد این پترن می پردازیم :

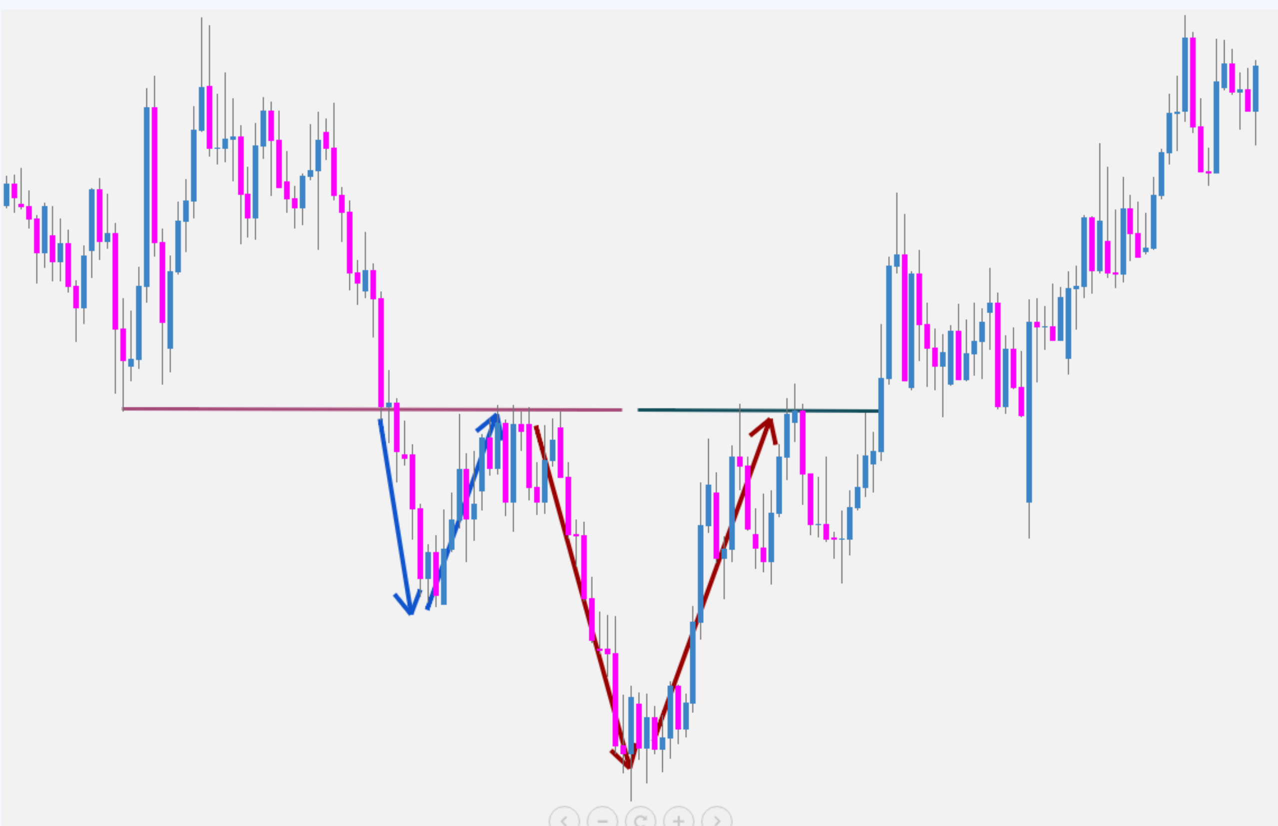
شانه سمت چپ :

در امتداد یک مسیر نزولی یک لویست لو بعد از روند شارپ و باز گشت به رسیستنس اغاز شکل گیری این پترن را نشان می دهد و شانه سمت چپ در حال شکل گیری می باشد .



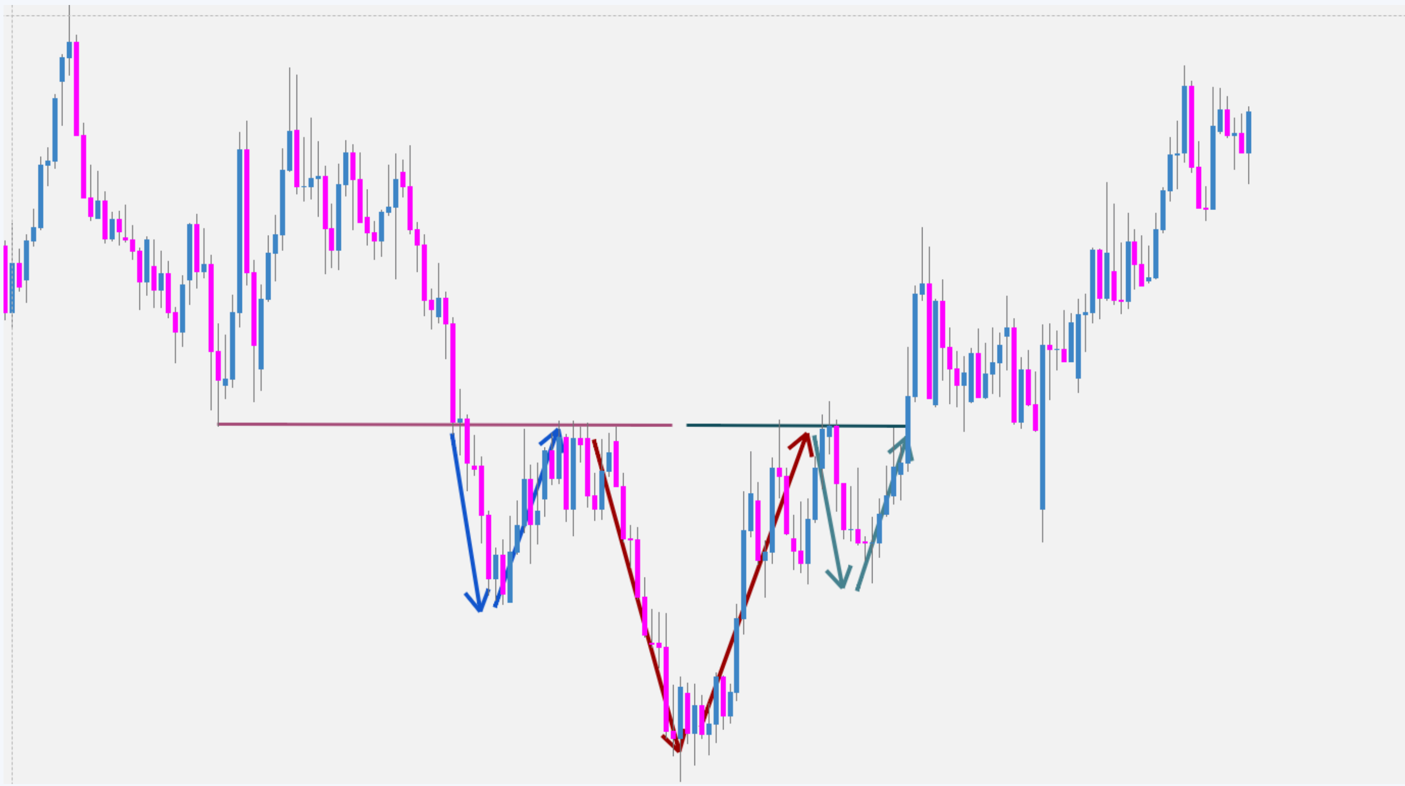
سر :

بعد از رسیدن به رسیستنس و ادامه روند تا زدن لو جدید علاوه بر تاییده تشکیل شانه سمت چپ روند نیز در حال تشکیل سر می باشد . تایید شدن سر این پترن بازگشت از لویست لو به رسیستنس شانه سمت چپ می باشد .



شانه سمت راست :

بازگشت از رسیستنس و تشکیل لو جدید . این لو می تواند نسبت به شانه سمت چپ لویست لو یا هایر لو باشد اما نباید از لو گردن پایین تر برود . و سپس باز گشت به رسیستنس .



خط گردن :

رسیستنس تشکیل شده از شانه سمت چپ – سر و شانه سمت راست را خط گردن می نامند که در تصاویر بالا به رنگ سبز – قرمز قابل مشاهده می باشد . خط گردن مبنای اصلی ورود به ترید برای این پترن می باشد . شکست این سطح مقاومت و تبدیل ان از رسیستنس به ساپورت مهمترین سیگنال ورودی است که توسط بسیاری از تریدرها مورد استفاده قرار می گیرد .

ترید با پترن سرو شانه :

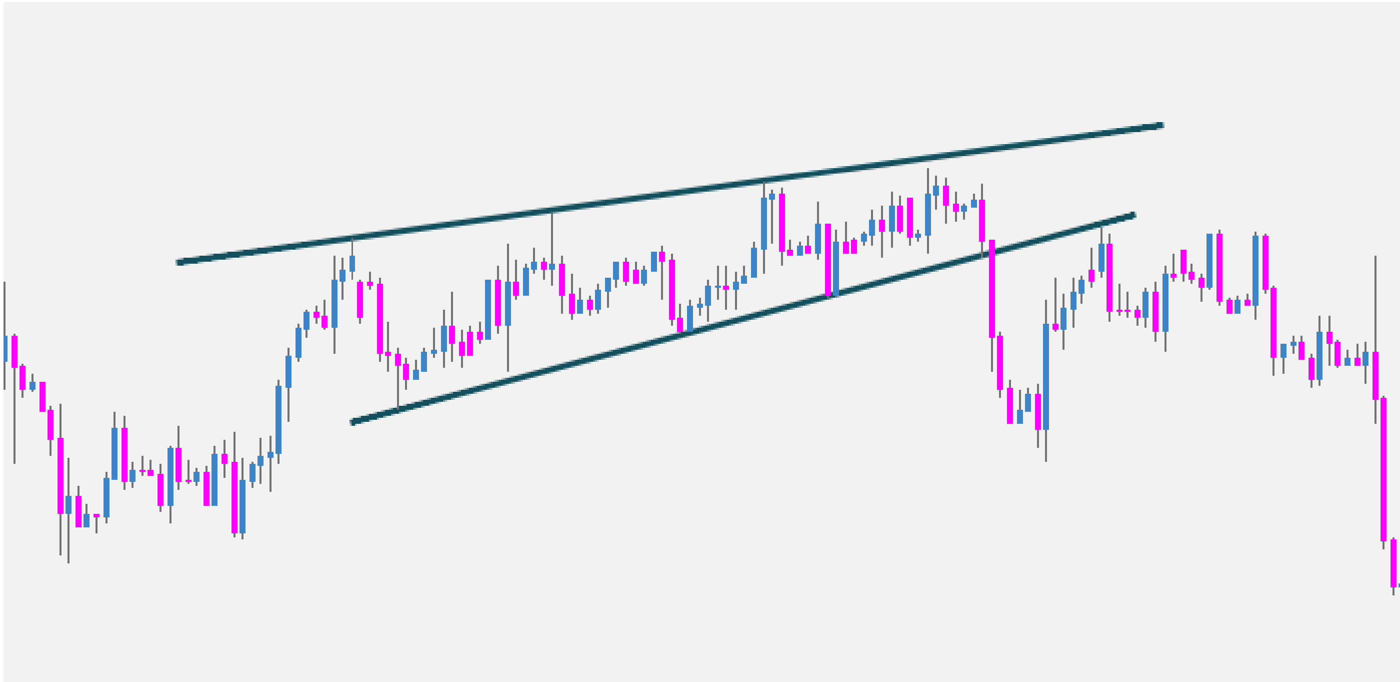
همانطور که در بالا اشاره کردیم شکست گردن بهترین نقطه ورود برای ترید می باشد و تریدرهایی با درصد ریسک مشخص و برنامه مدیریتی ترید این نقطه را برای ورود انتخاب میکنند. در شکل زیر نقطه B مشخص شده است . قرار دادن مقدار سود در این پترن مقدار فاصله سر این پترن تا خط گردن می باشد . به تریدر این پیشنهاد داده می شود که تی پی اول را 50 درصد این مقدار قرار دهد و تی پی دوم را 50درصد باقی مانده و مقدار استاپ بر اساس برنامه مدیریت سرمایه تریدر مشخص می شود . نقطه ایده ال برای بیشتر تریدرها قرار دادن استاپ در زیر لو شانه سمت راست می باشد .



تریدرهایی نیز می باشند که در منطقه قرمز - -Aاقدام به خرید میکنند و استاپ خود را در بالای لویست لو و یا لو سر قرار می دهند . این نوع تریدرها بعد از رسیدن های به محدوده ساپورت شانه اول -چپ- انتظار تشکیل این پترن را دارند و از منطقه قرمز اقدام به خرید میکنند . این روش دارای ریسک بالایی می باشد و زیاد توصیه نمی شود و دلیل ان به ذات و خاصیت روانی این پترن بر می گردد . اگر به ذات روانی پشت این پترن توجه کنیم میدانیم که میلیونها تریدر در انتظار شکست خط گردن هستند تا وارد پوزیشن بایشوند و این قدرت Volume شکست بعد از گردن را زیاد میکند .

Rising Wedge

این پترن یک پترن نزولی محسوب می شود . هر چه از عمر این پترن می گذرد بدنه پترن دارای عرض کمتری خواهد بود . این پترن شباهت زیادی به پترن مثلث دارد (در اینده به ان خواهیم پرداخت) اما بر خلاف پترن مثلث خروجی ان مشخص است و ان نیز نزولی است .البته این نزول به معنای برگشت کامل روند نمی باشد و در مسیرهای کارکشن گاهی به صورت پترن دنباله دار عمل می کند که این مسیر توسط محاسبه خروجی پترن قابل شناسایی خواهد بود .



برای درک بهتر از قدرت خروجی این پترن و تشخیص درست ان می توان به نکات زیر توجه کرد :

A. خط بالایی پترن یا همان خط رسیستنس پترن حداقل 2 های باید ان را لمس کرده باشد . هر چه تعداد این های ها بیشتر باشد قدرت این پترن نیز بیشتر خواهد بود . باید توجه داشت که های هایی قابل شمارش هستند که از های قبل بالاتر باشند یه به عبارتی هایست های باشند . مانند تصویر بالا که 3 های خط رسیستنس پترن را لمس کرده است .

B. خط ساپورت این پترن نیز حداقل باید 2 بار لمس شده باشد و لوهایی که ساپورت را لمس کرده اند باید از قبلی خود بالاتر باشند یا به عبارتی هایر لو باشند . تعداد زیادتر این لوها نشان از قدرت بیشتر این پترن برای شکست نزولی می باشد در تصویر بالا 3 بار این لمس دیده شده است .

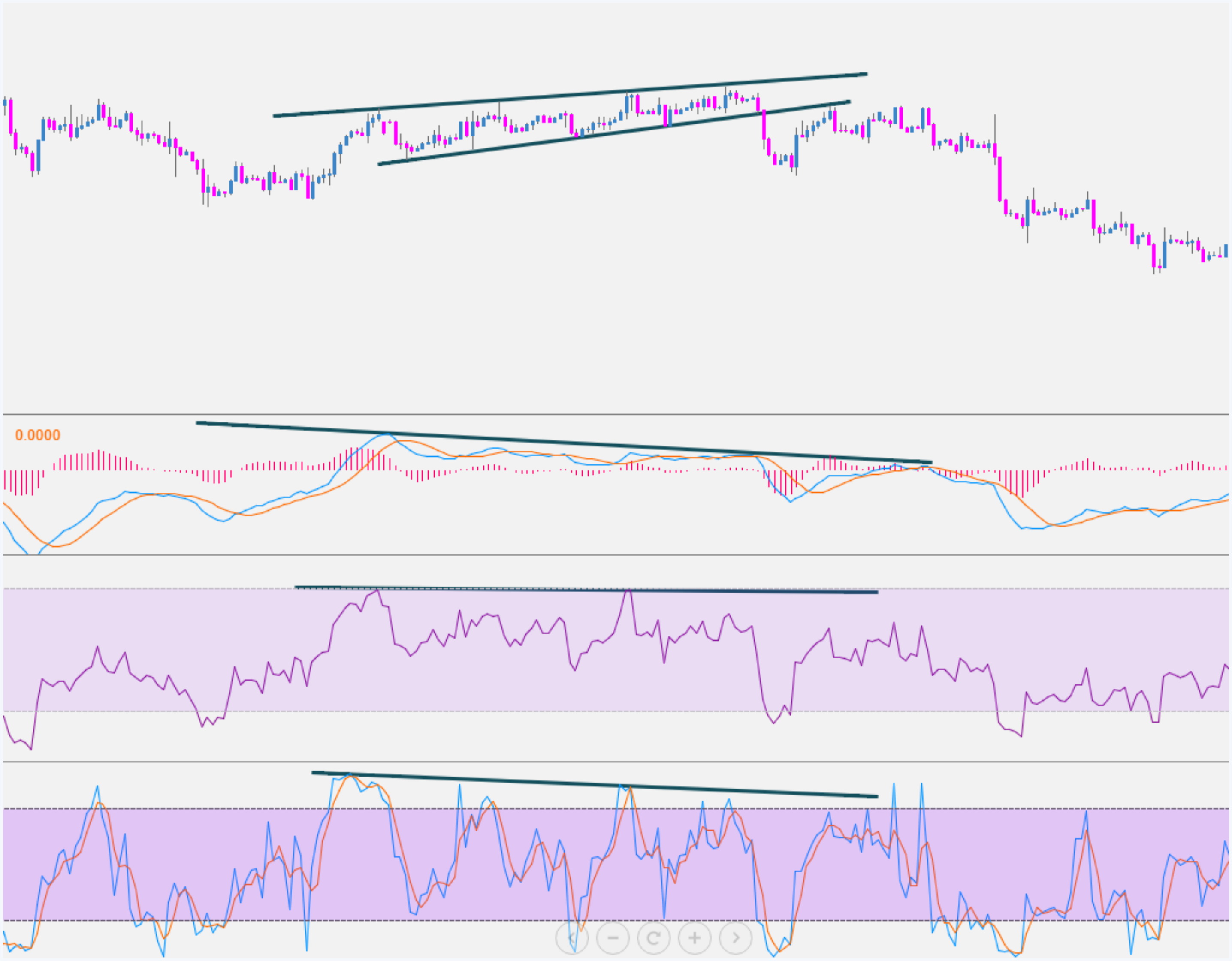
C. مناسبترین نقطه ورود به ترید در این پترن شکست خط ساپورت می باشد . ممکن است تریدر این باور را داشته باشد که نرسیدن های جدید روند به خط رسیستنس سیگنال اماده شدن ریزش پترن را میدهد اما باید همیشه در نظر داشتکه این پترن توسط روند صعودی شکل میگیرد و تا زمان شکست خط ساپورت نباید وارد پوزیشن شد زیرا این پترن ممکن است هفته ها ادامه داشته باشد و تریدر را وارد دراوداون زیادی بکند .

D. نکته بسیار مهم در مورد این پترن این می باشد که باید توجه به رسم درست ان داشت و موارد بالا را در نظر گرفت . تریدرهای زیادی با کشیدن خطوط مشابه به این باور هستند که این پترن شکل گرفته است اما در واقع در تشخیص این پترن دچار اشتباه شده اند .

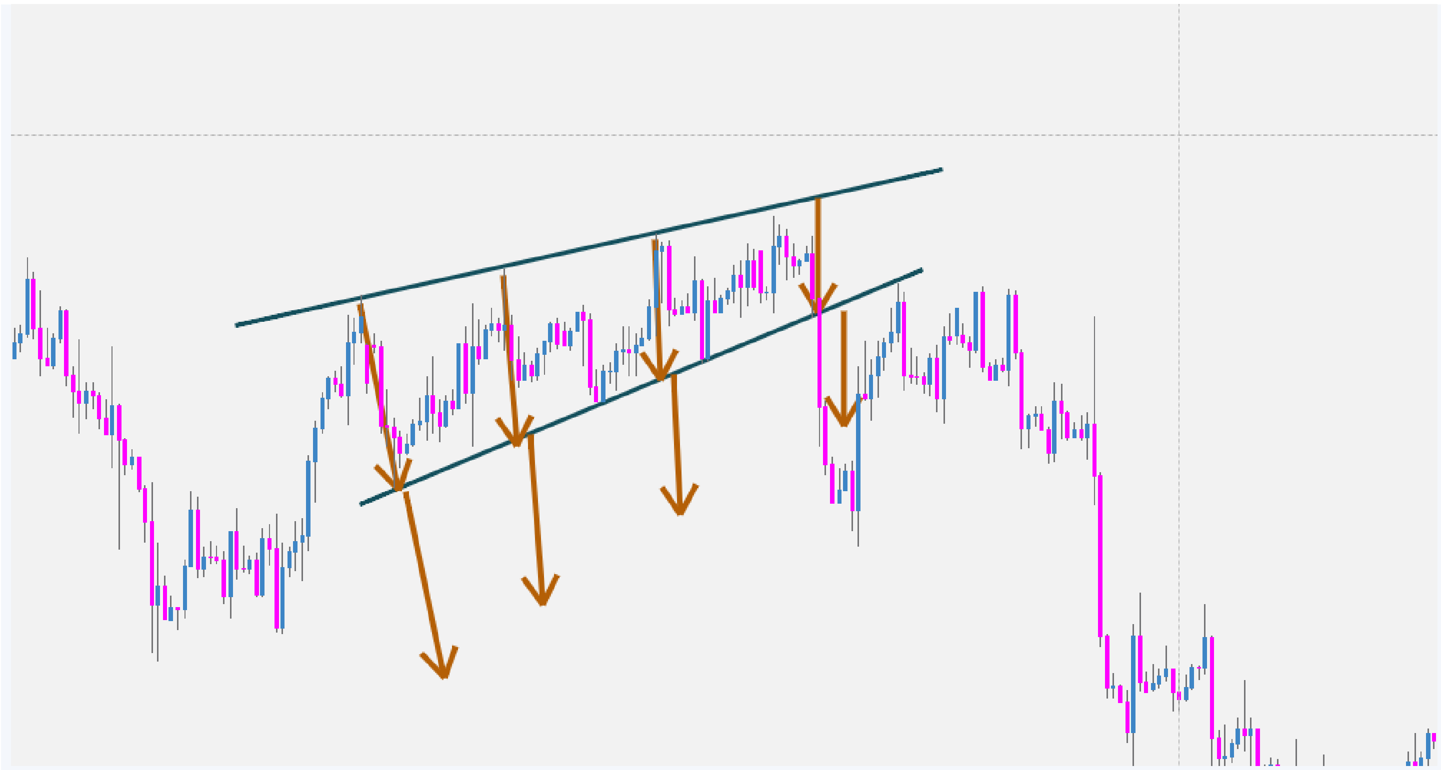
روش ترید با پترن رازینگ وج :

1- استفاده از بریک اوت توسط ساپورت و انتظار تبدیل ساپورت به رسیستنس

2- استفاده از اندیکیتور های رایج برای تشخیص دایورجنس



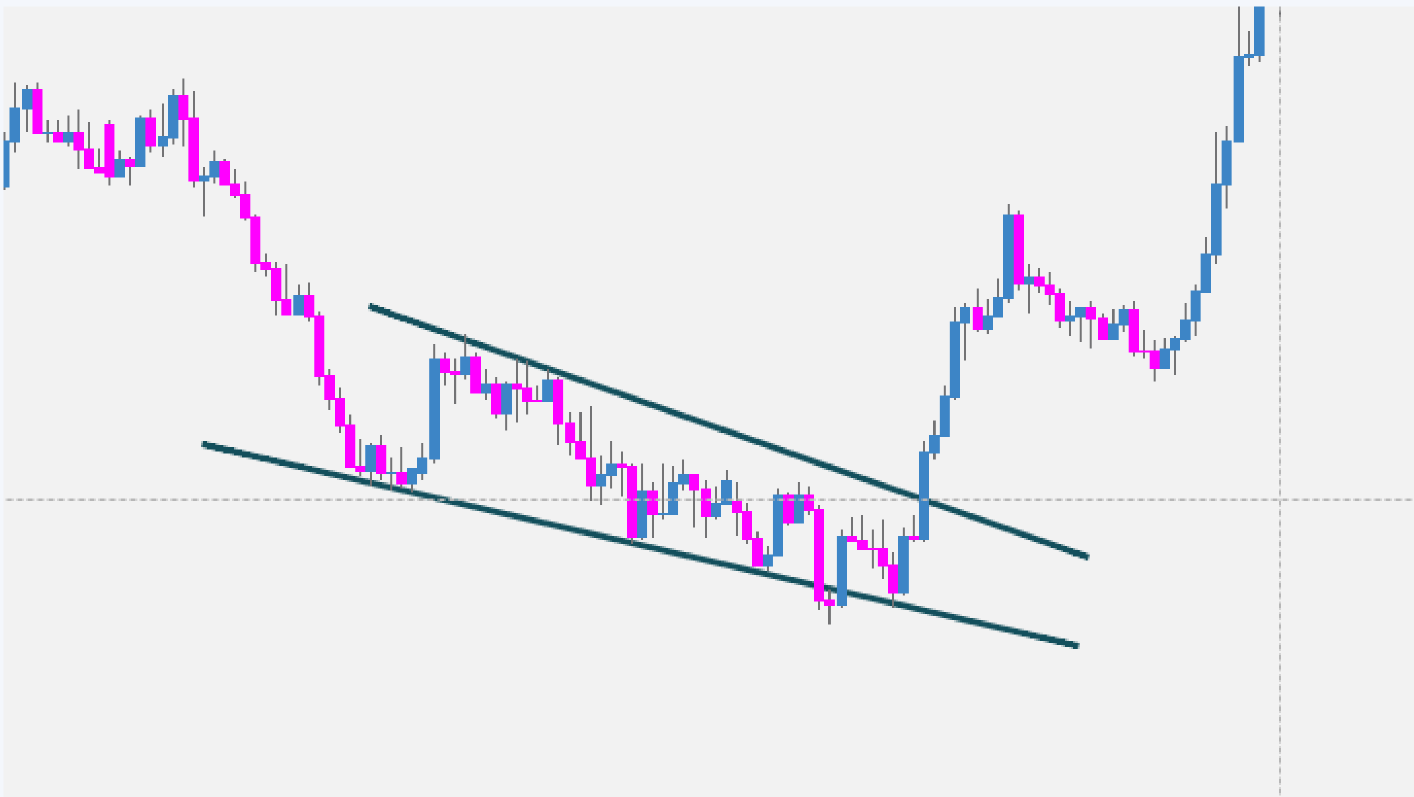
بعد از شرایط ورود به ترید معمولا استاپ در بالای خط رسیستنس پترن قرار میگیرد که البته با شرایط مدیریت سرمایه تریدر می تواند جابجایی داشته باشد . مقدار سود نیز ابتدا به اندازه مقدار عرض خروجی پترن در نظر گرفته می شود و با ادامه روند باقی اندازه حجم پترن از هر های تا لو پترن به عنوان تی پی های بعدی قرار خواهند گرفت .



و همچنین می توان از Volume برای تشخیص قدرت بریک ساپورت مانند همه پترنهای استفاده کرد .

Falling Wedge

این پترن یک پترن صعودی محسوب می شود . هر چه از عمر این پترن می گذرد بدنه پترن دارای عرض کمتری خواهد بود . این پترن شباهت زیادی به پترن مثلث دارد (در اینده به ان خواهیم پرداخت) اما بر خلاف پترن مثلث خروجی ان مشخص است و صعودی خواهد بود .البته این صعود به معنای برگشت کامل روند نمی باشد و در مسیرهای کارکشن گاهی به صورت پترن دنباله دار عمل می کند که این مسیر توسط محاسبه خروجی پترن قابل شناسایی خواهد بود .



برای درک بهتر از قدرت خروجی این پترن و تشخیص درست ان می توان به نکات زیر توجه کرد :

A. خط پایینی پترن یا همان خط ساپورت حداقل 2 لو باید ان را لمس کرده باشد . هر چه تعداد این لوها بیشتر باشد قدرت این پترن نیز بیشتر خواهد بود . باید توجه داشت که لوهایی قابل شمارش هستند که از لو قبل پایین تر باشند یه به عبارتی لویست لو باشند . مانند تصویر بالا که 4 لو خط ساپورت پترن را لمس کرده است .

B. خط رسیستنس این پترن نیز حداقل باید 2 بار لمس شده باشد و های هایی که رسیستنس را لمس کرده اند باید از های قبلی خود پایین تر باشند یا به عبارتی لویر های باشند . تعداد زیادتر این های ها نشان از قدرت بیشتر این پترن برای شکست صعودی می باشد در تصویر بالا 3 بار این لمس دیده شده است .

C. مناسبترین نقطه ورود به ترید در این پترن شکست خط رسیستنس می باشد . ممکن است تریدر این باور را داشته باشد که نرسیدن لوی جدید روند به خط ساپورت سیگنال اماده شدن صعود پترن را میدهد اما باید همیشه در نظر داشت که این پترن توسط روند نزولی شکل میگیرد و تا زمان شکست خط رسیستنس نباید وارد پوزیشن شد زیرا این پترن ممکن است هفته ها ادامه داشته باشد و تریدر را وارد دراوداون زیادی بکند .

D. نکته بسیار مهم در مورد این پترن این می باشد که باید توجه به رسم درست ان داشت و موارد بالا را در نظر گرفت . تریدرهای زیادی با کشیدن خطوط مشابه به این باور هستند که این پترن شکل گرفته است اما در واقع در تشخیص این پترن دچار اشتباه شده اند .

روش ترید با پترن فالینگ وج :

1- استفاده از بریک اوت توسط رسیستنس و انتظار تبدیل رسیستنس به ساپورت

2- استفاده از اندیکیتور های رایج برای تشخیص دایورجنس

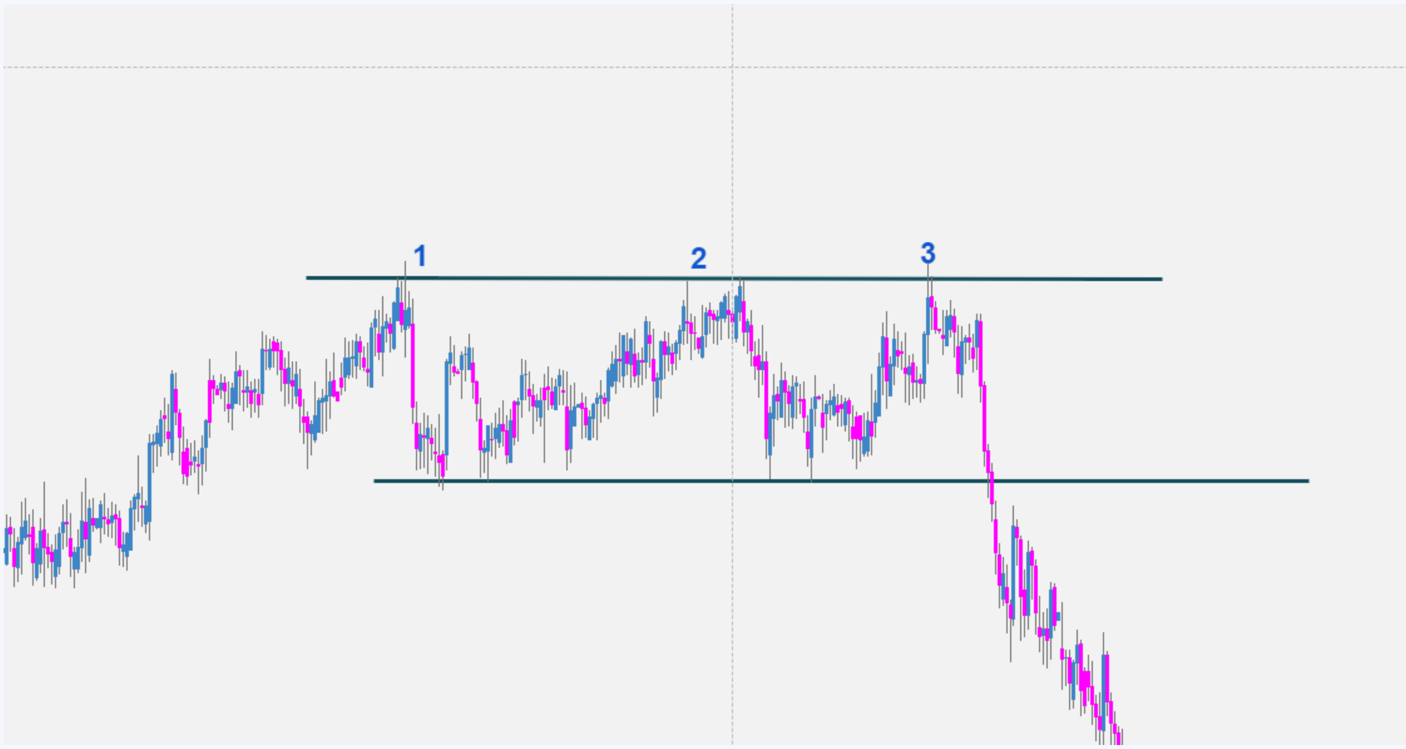


بعد از شرایط ورود به ترید معمولا استاپ در پایین خط ساپورت پترن قرار میگیرد که البته با شرایط مدیریت سرمایه تریدر می تواند جابجایی داشته باشد . مقدار سود نیز ابتدا به اندازه مقدار عرض خروجی پترن در نظر گرفته می شود و با ادامه روند باقی اندازه حجم پترن از هر لو تاهای پترن به عنوان تی پی های بعدی قرار خواهند گرفت .

Triple Bottom & Triple Top

Triple Top :

این پترن توسط 3 های یک سطح و نزدیک بهم شکل می گیرد و در ادامه شکست ساپورت توسط لو بعد از های سوم . این پترن از پترنهای مهم **Reversal** محسوب می شود و محبوبیت زیادی در بین تریدرها دارد .



چند نکته مهم در مورد این پترن که باید بدانید :

- این پترن در انتهای یک روند صعودی شکل میگیرد و اگر در بالاترین نقطه شکل بگیرد دارای قدرت بیشتری خواهد بود .
- شکل گرفتن این پترن در تایمهای بالا نشان از سقف بودن روند می دهد
- هر های باید بعد از یک سوییگ شکل گرفته باشد . در تصویر بالا های شماره 2 شاید 2 بار خط ساپورت را لمس کرده اما به علت نبودن سوییگ در بین 2 های در این پترن به عنوان یک های در نظر گرفته می شود .
- توجه داشته باشید در این پترن ممکن است یکی از این 3 های خط رسیستنس پترن را لمس نکند و نکته مهم تنها نزدیک بودن این 3 های به هم می باشد
- توجه و دقت زیادی داشته باشید که این پترن زمانی تایید می شود که ساپورت شکسته شود و قرار گرفتن 3 های در کنار یکدیگر به معنای تشکیل این پترن نیست

روش ترید :

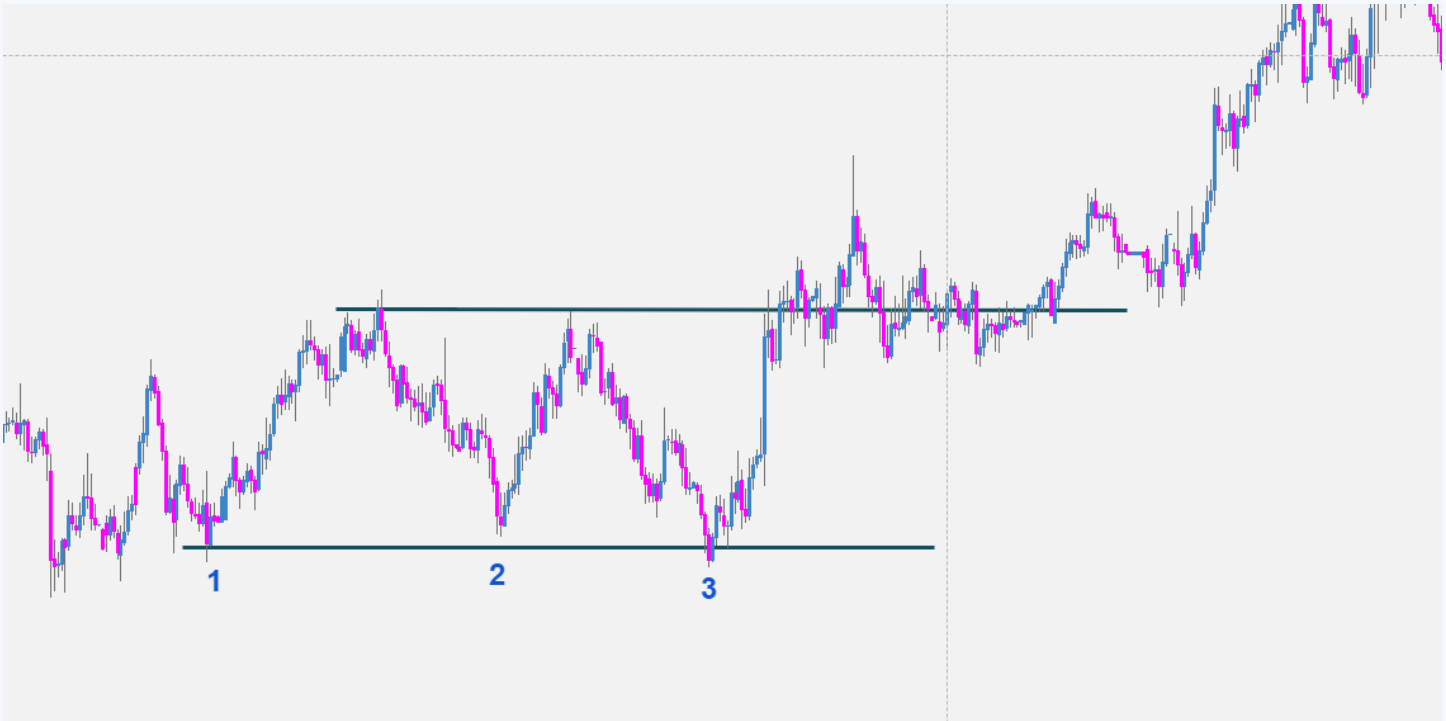
استفاده از **Volume** برای تایید شکست ساپورت این پترن می تواند تایید مهمی برای وارد شدن به ترید باشد و مقدار تی پی به اندازه فاصله ساپورت تا رسیستنس پترن در نظر گرفته میشود



استاپ لاس می تواند در بالای خط رسیستنس پترن و یا **50** درصد اندازه پترن از لو تا های قرار بگیرد . به یاد داشته باشید که همیشه مقدار تی پی نسبت به مقدار استاپ برای تریدر مشخص می شود .

Triple Bottom :

این پترن توسط 3 لو یک سطح و نزدیک بهم شکل می گیرد و در ادامه شکست رسیستنس توسط های بعد از لو سوم . این پترن از پترنهای مهم Reversal محسوب می شود و محبوبیت زیادی در بین تریدرها دارد .

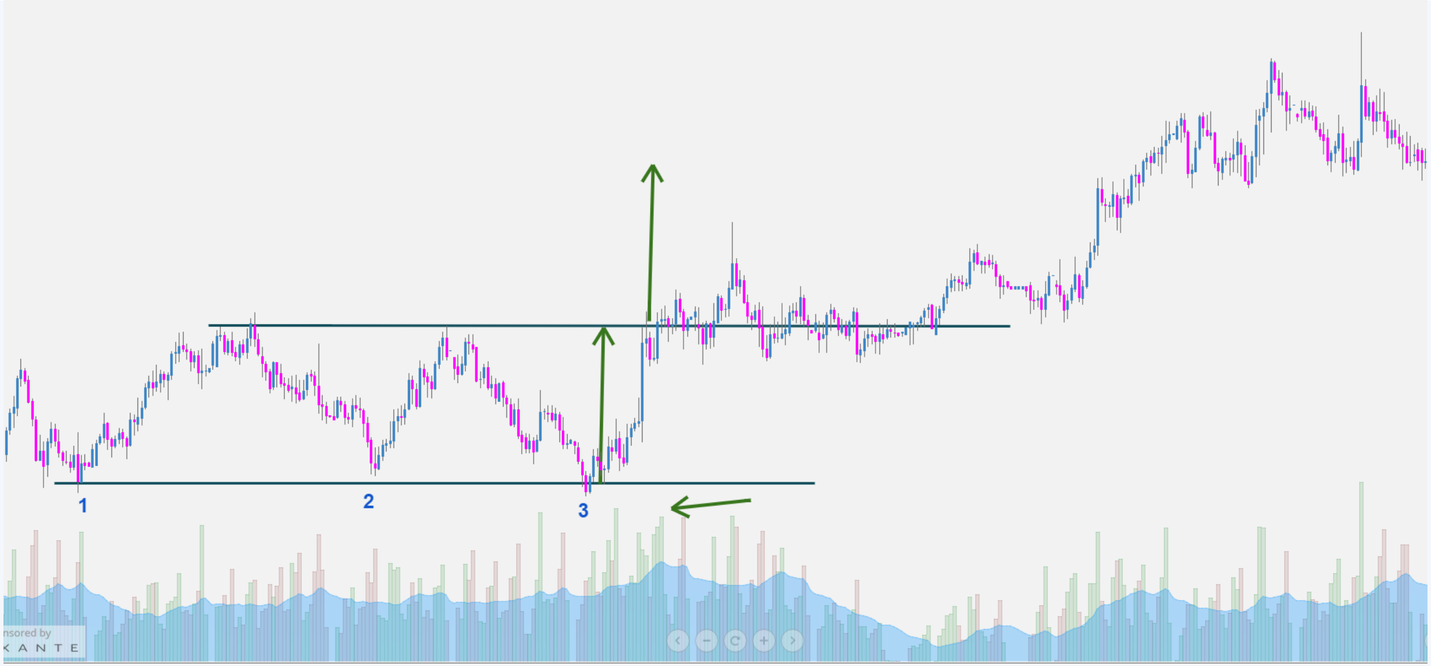


چند نکته مهم در مورد این پترن که باید بدانید :

- **این پترن در انتهای یک روند نزولی شکل میگیرد و اگر در پایینتر نقطه شکل بگیرد دارای قدرت بیشتری خواهد بود .**
- **شکل گرفتن این پترن در تایمهای بالا نشان ازکف بودن روند می دهد**
- **هر لو باید بعد از یک سویینگ شکل گرفته باشد .**
- **توجه داشته باشید در این پترن ممکن است یکی از این 3 های خط رسیستنس پترن را لمس نکند و نکته مهم تنها نزدیک بودن این 3 های به هم می باشد**
- **توجه و دقت زیادی داشته باشید که این پترن زمانی تایید می شود که رسیستنس شکسته شود و قرار گرفتن 3 لو در کنار یکدیگر به معنای تشکیل این پترن نیست.**

- ## روش ترید :

استفاده از Volume برای تایید شکست رسیستنس این پترن می تواند تایید مهمی برای وارد شدن به ترید باشد و مقدار تی پی به اندازه فاصله رسیستنس تا ساپورت پترن در نظر گرفته میشود



استاپ لاس می تواند در پایین ساپورت پترن و یا 50 درصد اندازه پترن از لو تا های قرار بگیرد . به یاد داشته باشید که همیشه مقدار تی پی نسبت به مقدار استاپ برای تریدر مشخص می شود .

Bump and Run Reversal

این پترن توسط توماس بولکوسکی – -Thomas Bulkowskiدر سال 97 به دنیای ترید معرفی شد . شناسایی این پترن در یک مسیر صعودی ممکن می باشد . بعد از چند حرکت پله ای صعودی روند با پرشهای صعودی مواجه می شود که از روند پله ای با شتاب زیادی دور می شود .



در زیر به نحوه شناخت پترن و محاسبه ان می پردازیم

Lead Line : اولین خط پترن می باشد که در زیر لوهای روند صعودی تعریف شده قرار میگیرد و این خط باید بین 30 تا 50 درجه باشد

Bump Line : فرار کردن روند از لید لاین و ایجاد هایست های Bump نامیده می شود . خط دوم پترن اگر زاویه ای بین 50 تا 60 درجه داشته باشد بسیار ایده ال است

چگونه می توانید این پترن را محاسبه کنید :

اولین نکته مورد توجه فاصله بامپ تا خط لید باید 2 برابر فاصله خط لید تا هایست های روند باشد . در تصویر زیر این فاصله با فلش سبز مشخص شده است . و زمان تشکیل بامپ نباید مدت زیادی به طول بیانجامد . بامپ می تواند اشکالی مانند دبل تاپ یا حتی سر و شانه نیز پیدا کند .



RUN : اولین مرحله فرار - – RUN بعد از شکست زاویه اول یا بامپ لاین اغاز می شود تا رسیدن به خط لید روند می تواند برگشتهایی داشته باشد و بهترین زمان ورود برای ترید شکست ساپورت خط Lead می باشد .

قرار دادن استاپ و تی پی در این روش کاملا بر اساس مدیریت سرمایه تریدر مشخص می شود وتنها می توان پیشنهاد داد که تی پی اخر تریدر می تواند لو اغاز خط لید باشد .

Rounding Bottom

این پترن یکی از قویترین پترنهای برگشتی چارت می باشد .این پترن دارای یک حالت قوسی است که توسط حمایت Right Lip و Left Lip شکل میگیرد . وقتی لیپ چپ تشکیل شد به محدوده رسیستنس لیپ راست میرسد و ممکن است روزها یا هفته ها با این رسیستنس درگیر باشد تا شکست را انجام دهد .



این پترن شکلی شبیه U پیدا میکند و نباید خیلی شارپ باشد . لویست لو و یا منطقه تشکیل U باید زمانی را برای تشکیل صرف کند و مانند حرف V خیلی شارپ نباشد . نکته مهم دیگر این است که فاصله زمانی لیپ راست تا لویست لو و فاصله تشکیل لیپ چپ نباید بیشتر از 2 برابر باشد . در تصویر بالا مشاهده میکنید لیپ راست تا لویست لو 6 روز زمان برده است تا تشکیل شود و سپس لیپ چپ در 4 روز تشکیل شده و در روز 9 بریک صورت گرفته است . البته در مطالب مختلفی اشاره شده است که بهترین و قویترین حالت پترن این است که فاصله لیپ راست تا لیپ چپ به یک اندازه باشد .

ترید :

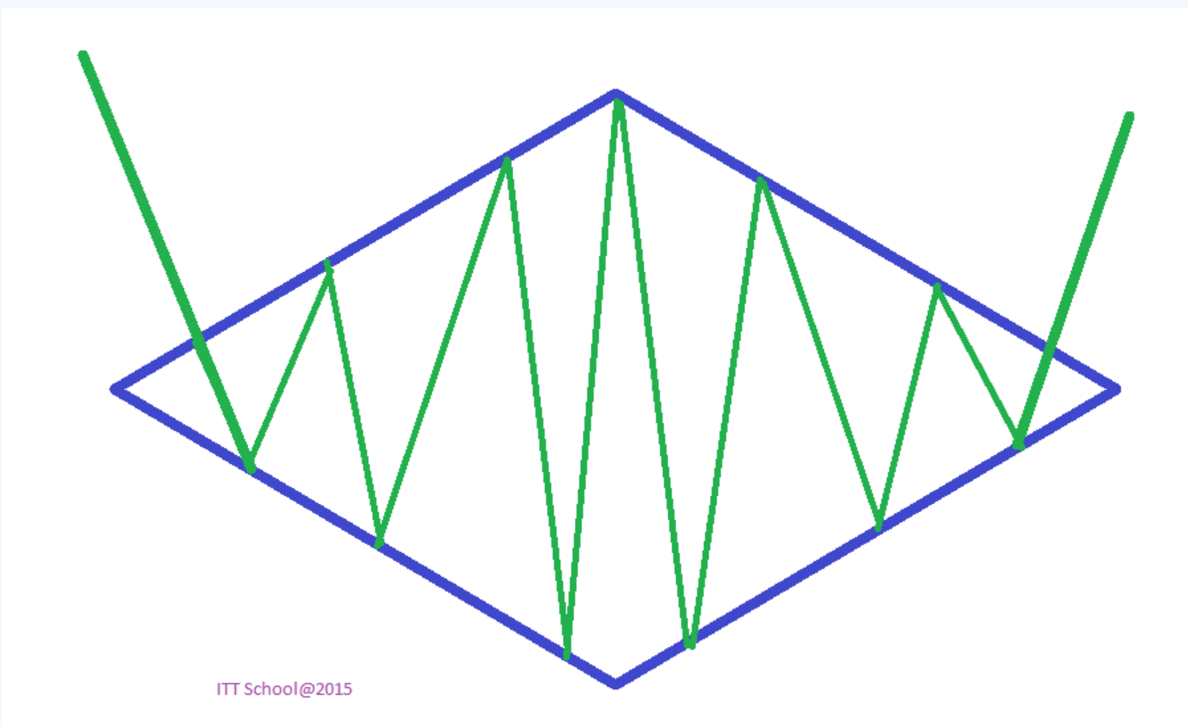
تی پی می تواند به اندازه فاصله لویست لو تا رسیستنس پترن محاسبه شود . اما باید به یاد داشته باشید برای وارد شدن به پوزیشن ابتدا نقطه استاپ و مقدار ضرر را مشخص کنید و بر اساس ریسک به ریوارد مقدار تی پی را در نظر بگیرید

Bottom & Diamond Top

وقتی روند در حالت صعودی یا نزولی در یک رسیستنس یا ساپورت در حال زدن های و لوهای می باشد که 2 مثلث مخالف تشکیل دهد <> پترن الماس شکل میگیرد . این پترن می تواند در روند نزولی و صعودی مشاهده شود .

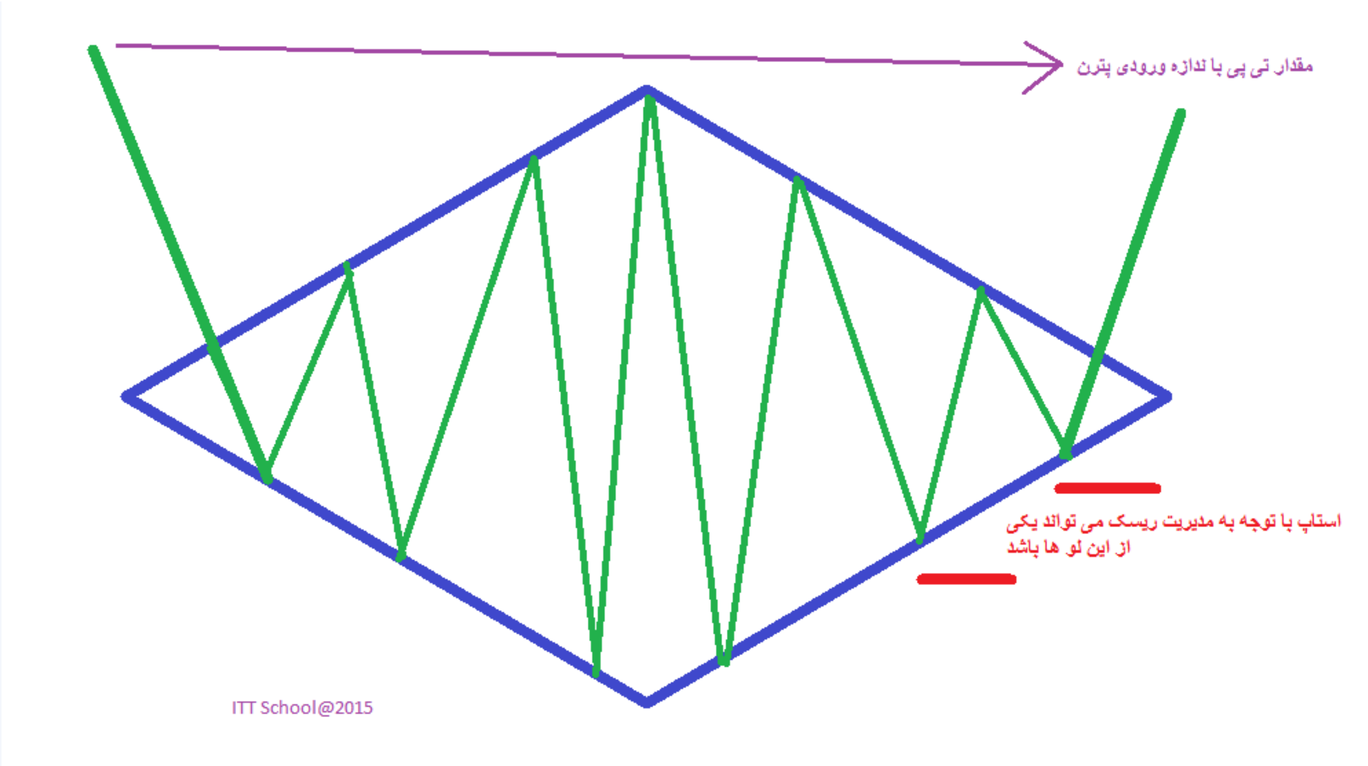
Diamond Bottom :

این پترن در امتداد یک مسیر نزولی شکل میگیرد و روند در حال بوجود اوردن های و لوهایی در مسیر می باشد که یکی از اینها تبدیل به هایست های و لویست لو می شود .



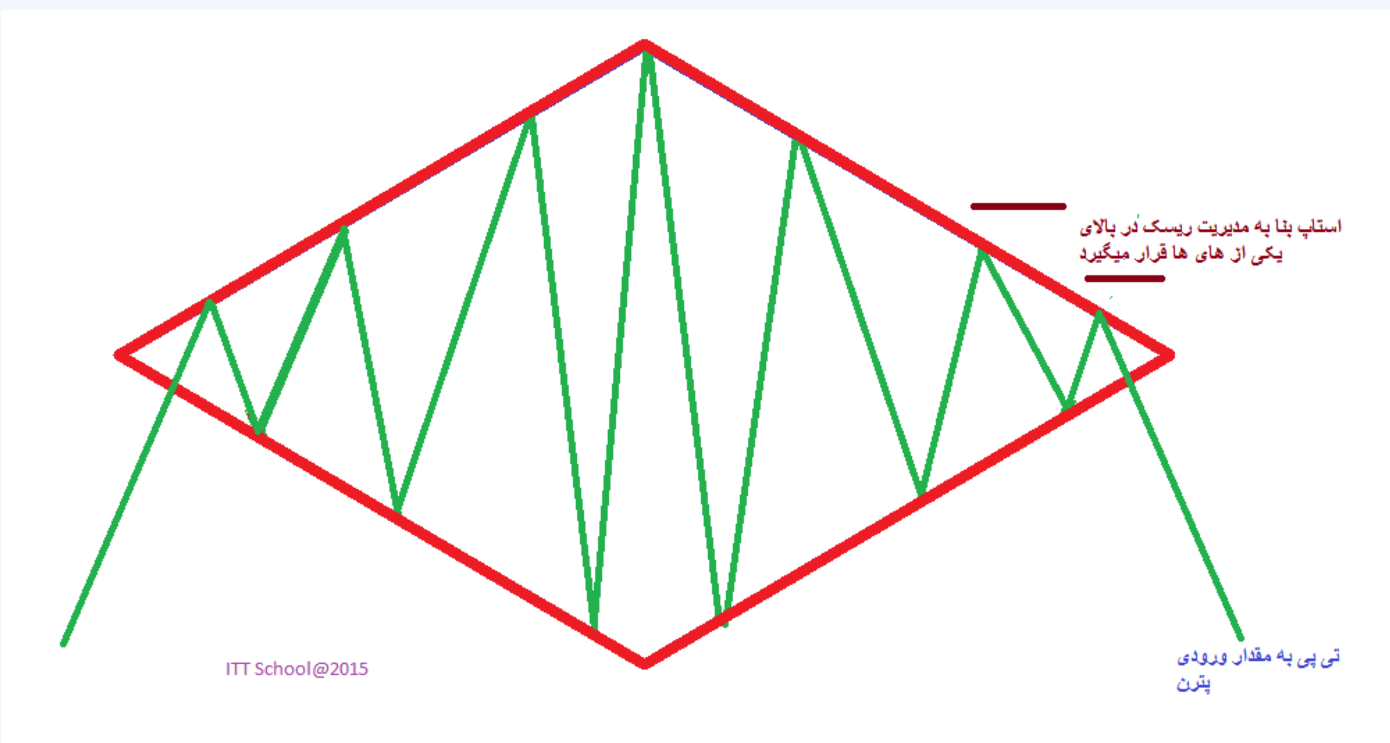
ترید با پترن الماس :

بعد از شکست رسیستنس راست به اندازه مقدار ورودی سمت چپ پترن می توانید تی پی خود را مشخص کنید .
استاپ نیز می تواند در اخزین لو ساپورت قرار بگیرد .



Diamond Top :

بر خلاف پترن بالا در مسیر صعودی شکل میگیرد .

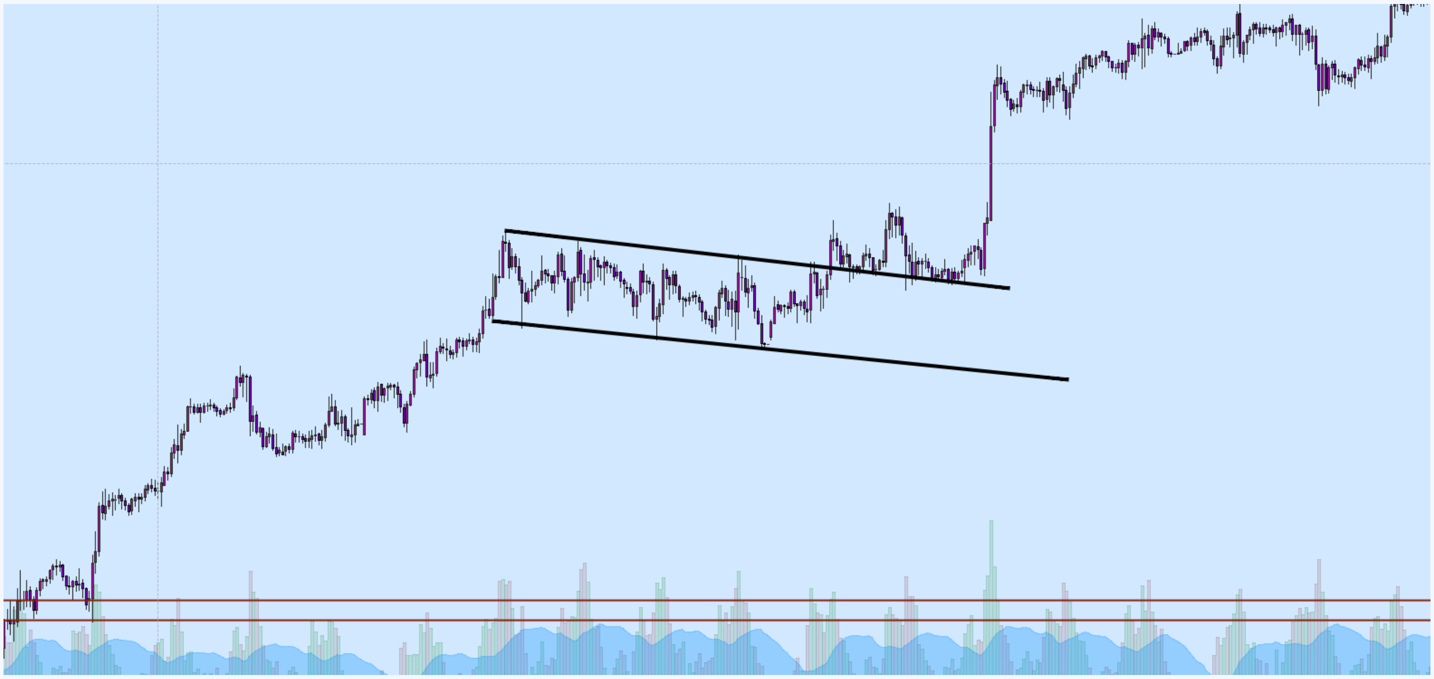


Continuation Patterns

در این بخش به بررسی پترنهای ادامه دار خواهیم پرداخت

Pennant & Flag

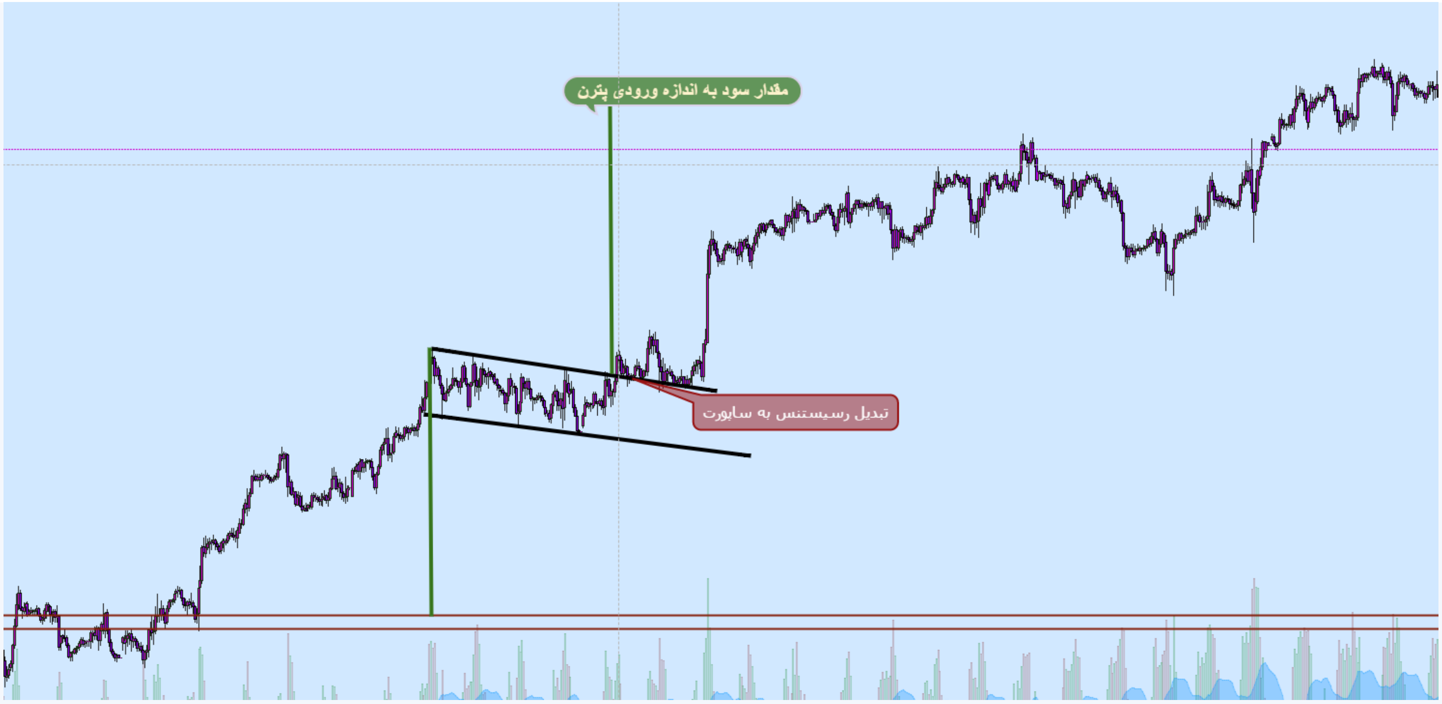
پترن پرچم و مستطیل در مسیر یک روند ادامه دار شکل میگیرند . دلیل اصلی شکل گرفتن این پترن کاهش زیاد Volume در ادامه روند می باشد که خریداران یا فروشندگان تمایل خود را به مدت کوتاهی برای ادامه روند از دست می دهند .



این پترن هم در مسیر صعودی و هم نزولی شکل میگیرد و بهترین نوع استفاد از این پترن در درون روندهای ادامه دار می باشد و تریدر نباید این را با کارکشنها اشتباه بگیرد . کارایی این 2 پترن کاملا شبیه یکدیگر می باشد اما کمی از بابت شکلی با هم تفاوت دارند . پترن مستطیل از دو خط یکی ساپورت و دیگری رسیستنس کاملا موازی تشکیل می شود و در پرچم این 2 خط موازات کمتری دارند .

ترید با Pennant : & Flag

تعریف اولیه ترید با این پترنها بسیار ساده می باشد . در روند صعودی شکست رسیستنس و تبدیل ان به ساپورت و در ورند نزولی شکست ساپورت و تبدیل ان به رسیستنس می باشد . مقدار ضرر با توجه به مدیریت سرمایه تریدر مشخص می شود اما در تعریف ابتدایی این پترنها استاپ لاس می تواند در روند صعودی در زیر ساپورت و در روند نزولی در بالای رسیستنس پترن قرار بگیرد .



همانطور که در تصویر بالا مشاهده می کنید مقدار سود با توجه به ورودی پترن مشخص می شود . این ورودی می تواند بعد از یک کندل شارپ که روند بعد از ان ادامه پیدا کرده است و به پترن رسیده است در نظر گرفته شود و یا از اولین ساپورت قدرتمندی که قبل از ورودی مشاهده می شود.

تعریف پیشرفته تری که می توان برای ترید داشت مقدار محاسبه **Flagpole** می باشد . **Flagpole** مقدار فاصله اغاز ورودی پترن تا رسیستنس در پترن صعودی می باشد و در نزولی تا ساپورت پترن .

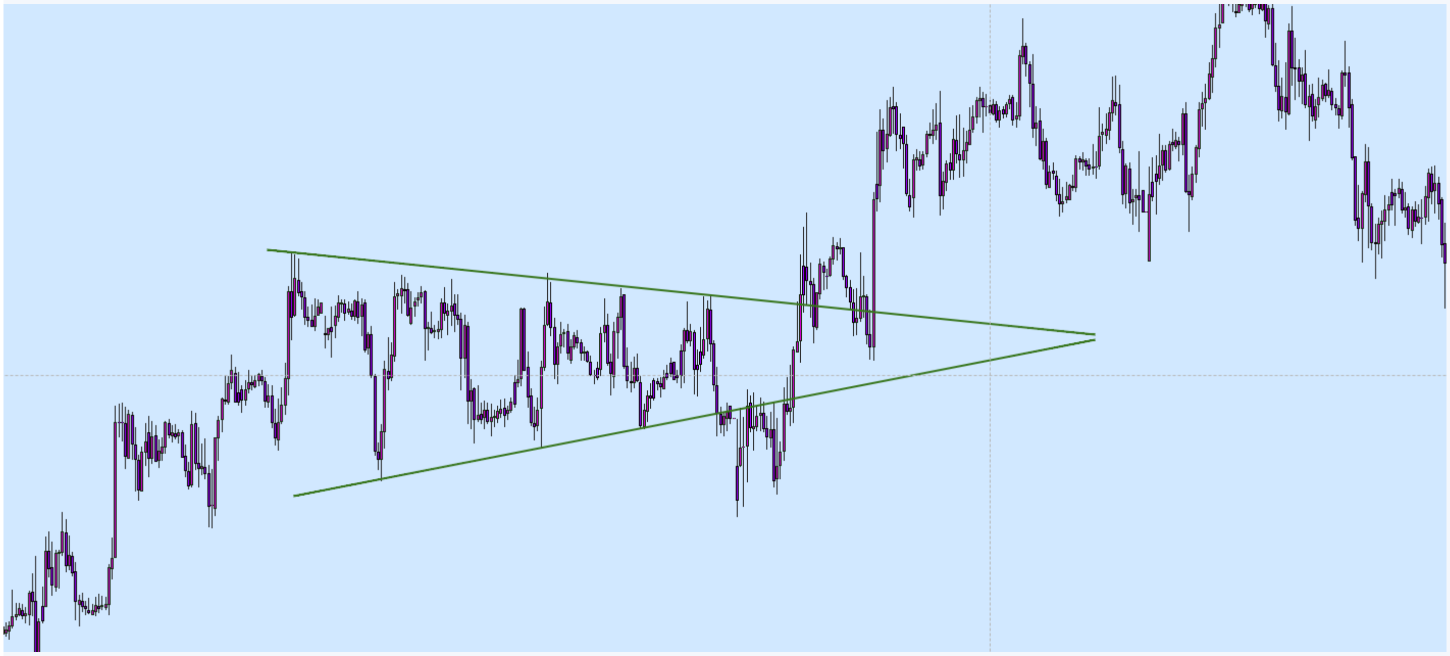


اگر **Flagpole** دارای درصد رشد بیشتری نسبت به روند قبلی خود داشته باشد و همچنین زاویه **Flagpole** بیشتر از روند قبلی باشد پترن مستطیل و پرچم دارای قدرت بسیاری برای ادامه روند خواهد بود . در شکل بالا مشاهده می

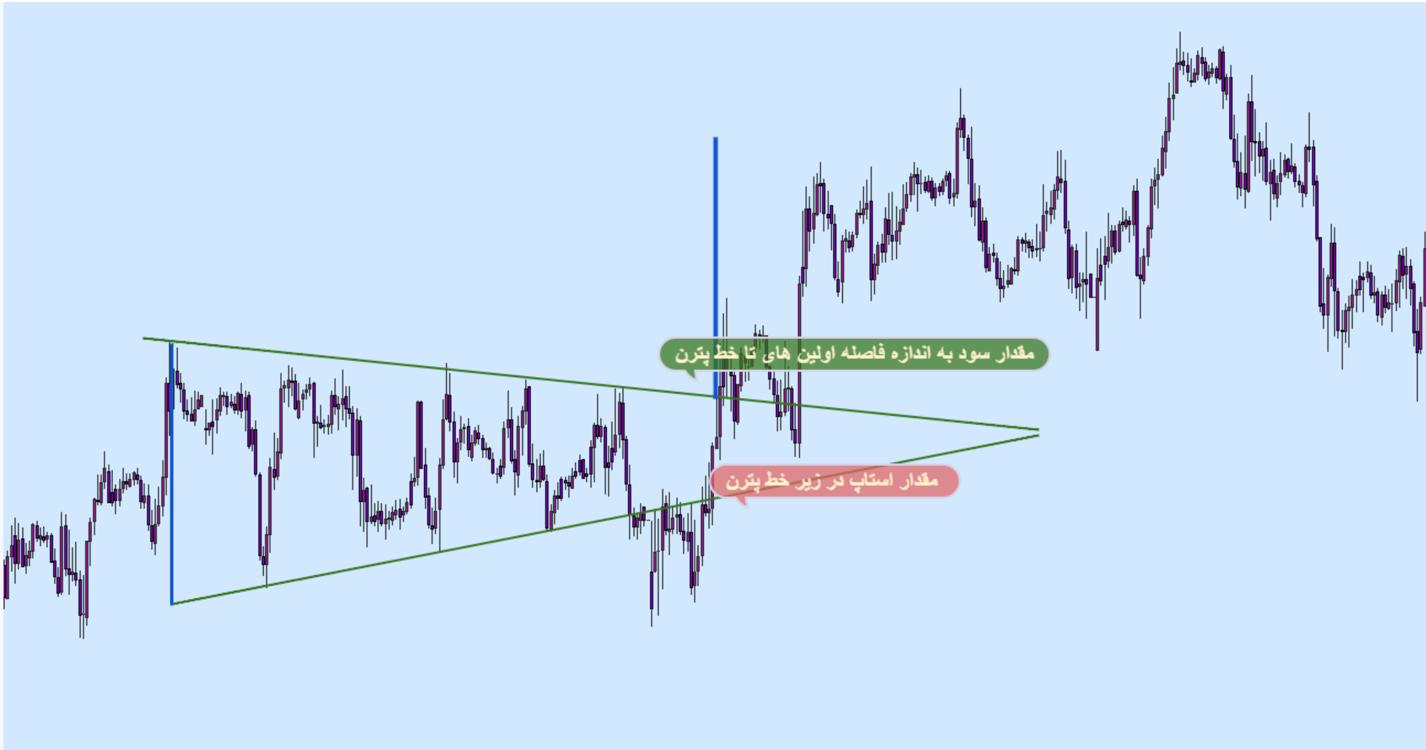
کنید که زاویه Flagpole از روند قبلی خود 9 درصد بیشتر می باشد و دارای رشد 2.57% نسبت به روند قبلی خود 2.42% نیز می باشد . در نظر داشته باشید زاویه Flagpole اگر از 40 درجه بیشتر باشد به تنهایی نیز می تواند از قدرت پترن خبر دهد .

Symmetrical Triangle

این پترن به عنوان پترن ادامه دار معروف شده است . وقتی روند در حالت ساید وی قرار میگیرد و حداقل 2 هایر لو و 2 لویرهای ایجاد میکند این پترن شکل می گیرد .

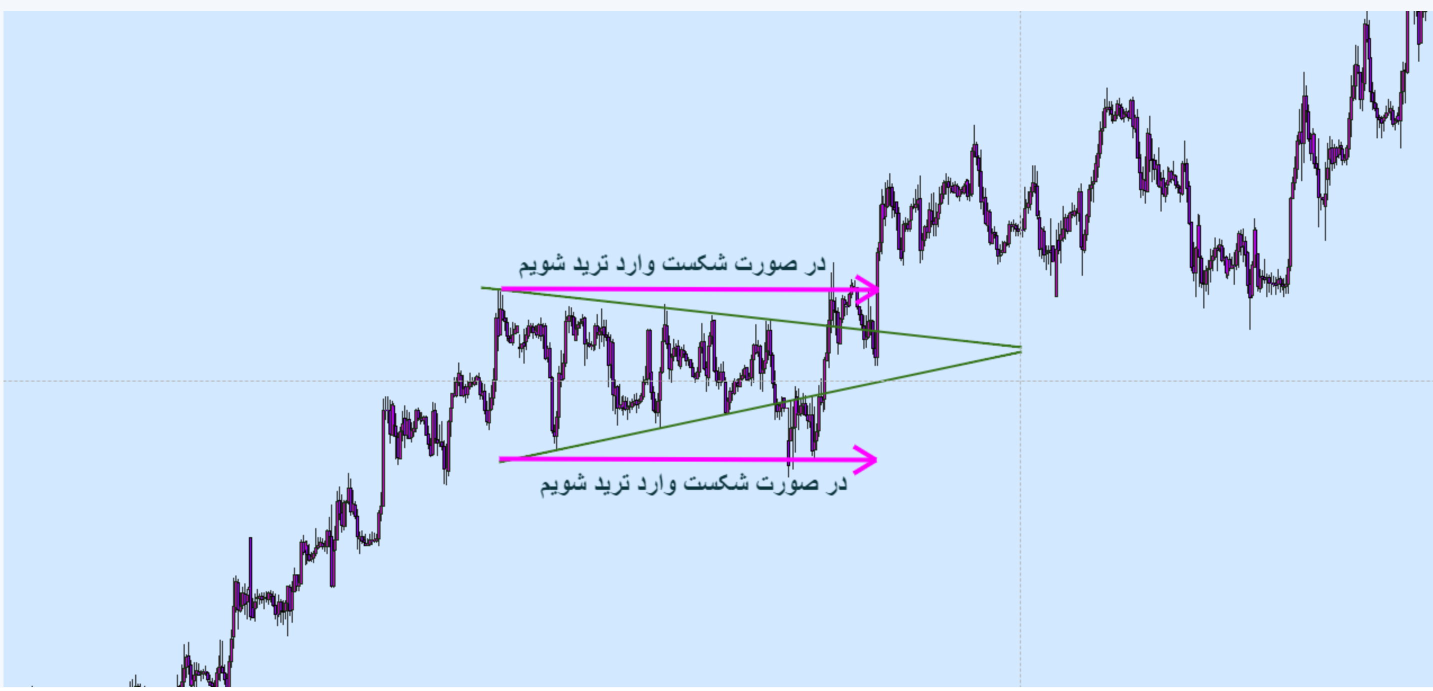


بهترین زمان ورود به ترید شکست پترن می باشد . قرار دادن تی پی و استاپ به صورت زیر می باشد .



من همیشه خانواده پترنهای مثلث رو ادامه دار نمیدونم و جز پترنهایی محسوبشون کردم که از هر طرف می تونن شکسته شوند . از نظر من بهترین نوع ترید با پترنهای مثلث از هر نوع علاوه بر شکست خط پترن تریدر باید این صبر را داشته باشه که روند و کندل در بالا یا پایین های و لو ورودی پترن بسته بشه .در تصویر بالا که مثال زدیم مشاهده می کنید که روند این سیگنال را با تریدر داده که به پایین اول شکسته است و حتی ساپورت در مقطعی به صورت رسیستنس عمل کرده و ناگهان پترن از بالا شکسته است و روند در اینده کاملا صعودی شده است .

پترنهای مثلث نویزهای زیادی دارند و بهترین روش ترید از دید من به صورت زیر می باشد .



در مطالب اینده که در مورد انواع پترنهای مثلث صحبت خواهم کرد این مطلب همچنان صادق است .

Ascending Triangle

این پترن در ادامه مسیرهای صعودی بوجود می اید و می تواند نشان دهنده ادامه روند باشد .وقتی این پترن در یک مسیر نزولی مشاهده شود نشان از برگشت روند به صعودی می باشد . هر سمت پترن حد اقل باید 2 بار توسط خطهای پترن لمس شده باشد .



روش ترید با این پترن به اینصورت می باشد که مقدار فاصله رسیستنس تا ساپورت پترن به مقدار تی پی برابری میکند و مقدار استاپ می تواند در زیر خط رسیستنس پترن قرار بگیرد .



به توضیحاتی که در مبحث قبلی در مورد پترنهای مثلث دادم در مورد این پترن نیز بهترین نوع ترید را به صورت زیر میبینم .



Descending Triangle

این پترن در روند نزولی شکل میگیرد و نشان از ادامه روند دارد . حئاقل 2 بار کندلها باید خطوط این پترن را لمس کرده باشند تا این پترن شکل بگیرد . اگر این پترن در یک مسیر صعودی دیده شود نشان از برگشت روند به نزولی است .



روش ترید با این پترن شکست ساپورت پترن و تبدیل ان به رسیستنس می باشد . مقدار تی پی به اندازه فاصله دهانه پترن در نظر گرفته می شود . مقدار استاپ در بالای خط رسیستنس پترن قرار می گیرد



از نظر من و توضیحات گذشته بهترین نقطه ورود به اینصورت می باشد .



Rectangle

این پترن ادامه روند را نشان می دهد و یکی از بهترین پترنها برای ترید می باشد و محبوبیت زیادی دارد . دلیل ان به زود نتیجه رسیدن و سادگی ترید می باشد . روش ترید بعد از شکست خط پترن می باشد. تی پی به اندازه مقدار اندازه 2 خط پترن در نظر گرفته می شود . استاپ می تواند در زیر یا بالای خط پترن نسبت به روند نزولی و صعودی قرار بگیرد .



نکته مهم : این پترن در 85 درصد مواقع به عنوان پترن ادامه دار عمل میکند اما دیده شده است که در 15 درصد مواقع به صورت پترن برگشتی – – Reversalعمل کرده است . برای گیر نیافتادن در این 15 درصد همیشه بعد از شکست خط پترن وارد ترید شوید .

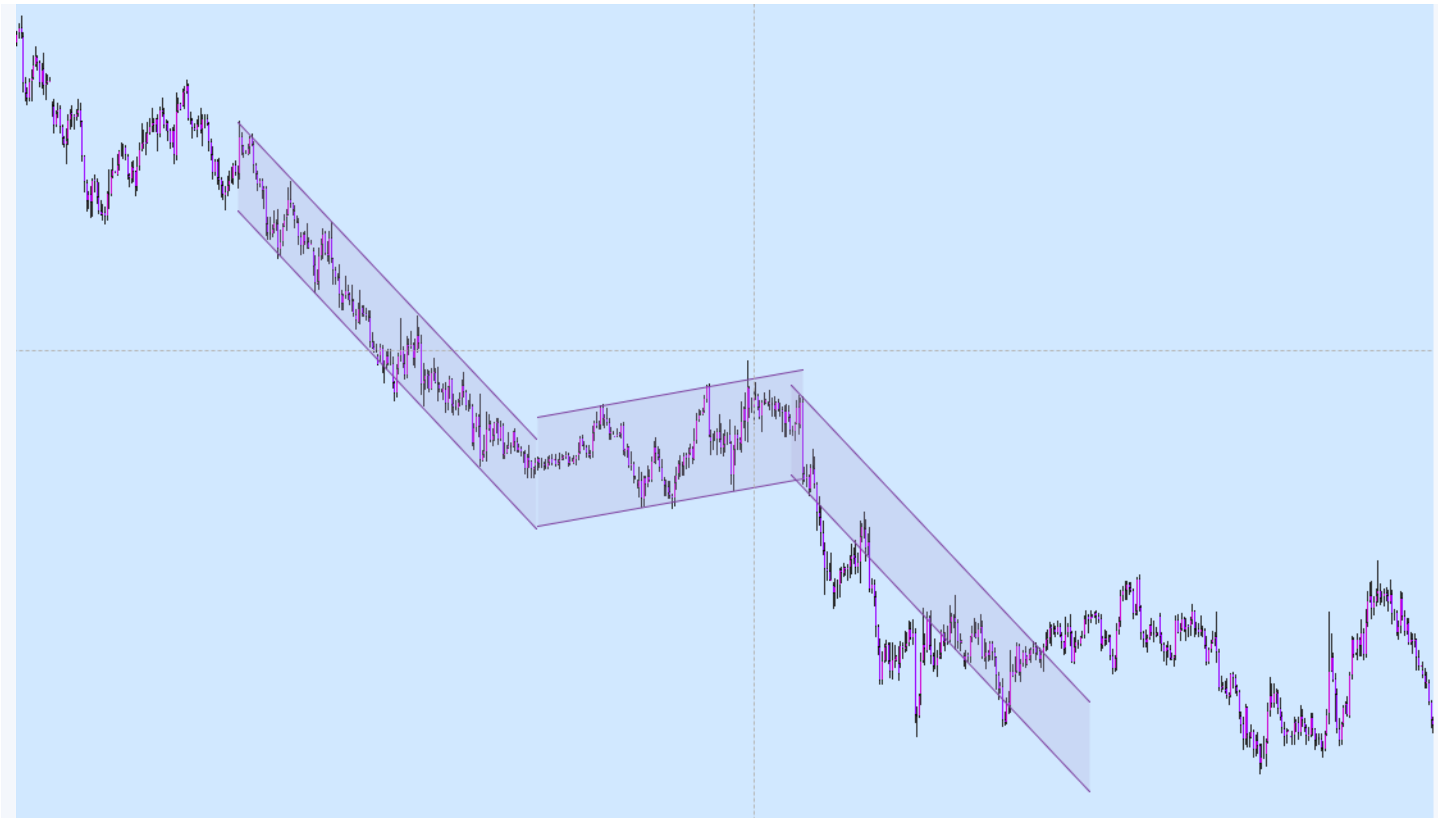
Price Channel & Measured Move

یکی از مهمترین پترنهای چارت می باشد که نباید با پترن پرچم یا مستطیل اشتباه گرفته شود . این نوع پترن در کلاس پترنهای ادامه دار قرار میگیرد اما انتهای ان کاملا برگشتی می باشد . در مثال زیر این پترن را در یک مسیر نزولی در نظر گرفته ایم . در ابتدا روند در یک کانال قیمتی – Price Channel – قرار میگیرد . در مکان و زمانی قیمت از این کانال خارج می شود و این کانال نباید زاویه ای بیشتر از زاویه کانال اصلی قیمت بگیرد . زاویه خروج از کانال اصلی مجموع زاویه های و لو می باشد .



نوع دیگر محاسبه ان که دارای دقت بیشتری می باشد استفاده از فیبوناچی است که های کانال کارکشن نباید به بیشتر از **38** تا **61.8** درصد کانال اصلی روند برگردد .

نحوه ترید با این پترن به شکل زیر می باشد :



بعد از شکست ساپورت کانال دوم به اندازه مقدار ورودی – کانال اول – تی پی در نظر گرفته می شود و استاپ در بالای رسیتنس کانال دوم قرار می گیرد . مدت زمان تشکیل کانال سوم نباید بیشتر از مدت زمان کانال اول به اندازه مقدار نصف ان طول بکشد و بهتر است تریدر پوزیشن خود را با سود کافی ببندد . در تصویر زیر که ادامه مثال بالا می باشد ماشهده میکنید روند از **48** دوره بیشتر طول کشیده است و بعد از ان شاید به هدف رسیده است اما بهتر بوده تریدر در انتهای همان **48** دوره پوزیشن خود را ببندد.



Gap & Gap Analysis

در این بخش نگاهی ساده به انواع GAP های مارکت می اندازیم و چگونه می توان این گپها را انالیز کرد .

GAPS

شاید برای بیشتر شما این سوال پیش امده باشد که دلیل بوجود امدن گپهای مارکت چه می باشد . توضیح اولیه ان خیلی ساده می باشد . گپها بر اساس وجود نداشتن خریدار و فروشنده بوجود می ایند به معنای دیگر تریدی انجام نشده است و علت ان می تواند در زمان تعطیلی مارکت چه در فارکس و استاک باشد . دلیل دیگر ان می تواند تفاوت کلوز مارکت با باز شدن مارکت باشد که به علت اتفاقات فاندامنتالی در یک سطح باز نمی شود و یا اینکه **Order** های تریدرها بالاتر و یا پایین تر از کلوز مارکت قرار داده شده است .

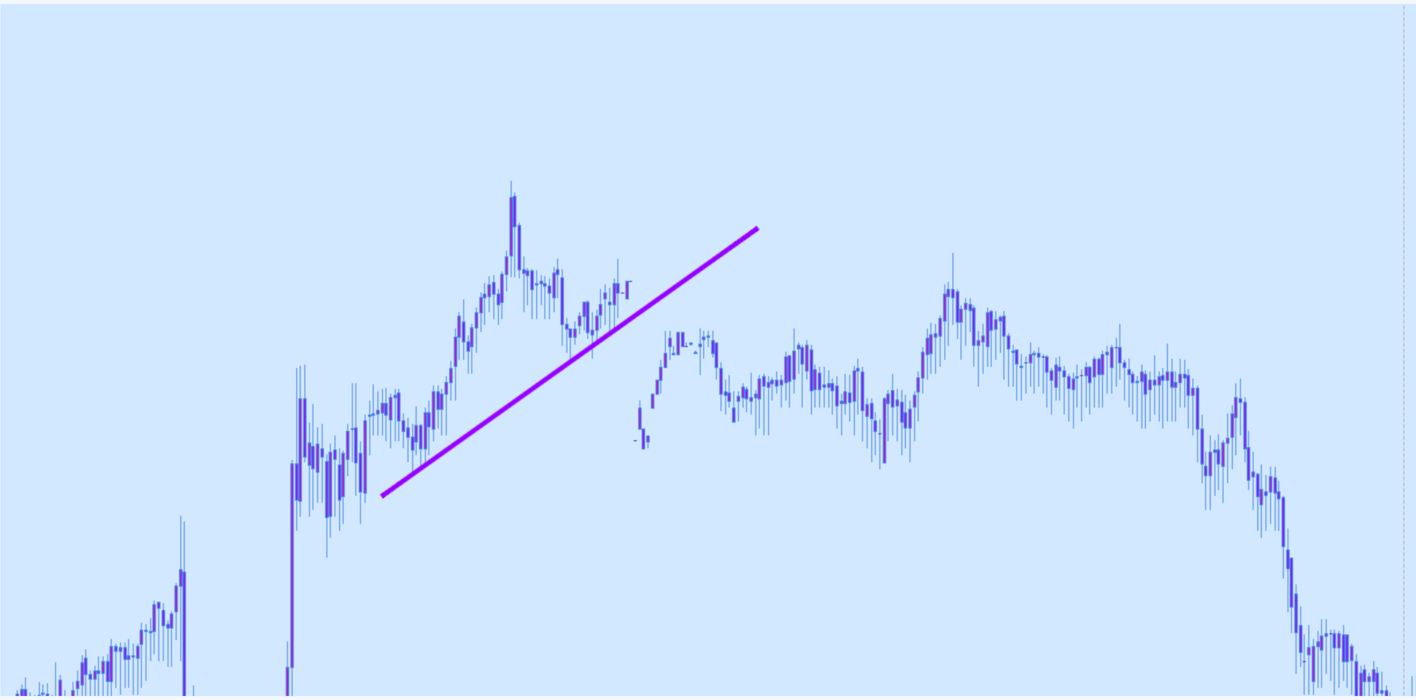


در تصویر بالا نمونه ای از گپ را مشاهده میکنید که در تعریف جامع مارکت ان را **Common Gap** یا گپ عمومی می نامند . این نوع گپ ها همانطور که در بالا اشاره کردیم در اثر کمبود **Volume** بوجود می ایند و سریع پر می شوند و در ادامه روند به مسیر قبلی خود بر میگردد. این گپ در روند های رنج و پر شلوغ زیاد مشاهده می شوند که می تواند در زمان باز شدن مارکت نیز مشاهده شود . بهترین نوع ترید با این گپها در زمان بعد از باز شدن مارکت می باشد .

در ادامه انواع دیگر گپها را بررسی میکنیم :

گپ بریک اوت :

این نوع گپها دلیل شکستهای ساپورت و رسیستنس می باشند و یکی از بهترین سیگنالهای شکست است. وقتی روند در مسیری گیر کرده است و بیشتر تریدرها در انتظار شکست هستند بعد از باز شدن بازار یا در زمان باز بودن بازار و اعلام خبرهای میجر می توانند سطوح قوی را بشکنند . این مسیر می تواند به صورت روند رنج و یا پترنهای چارت باشد .نمیونه ای در زیر مشاهده میکنید .



مشاهده می کنید که گپ به صورت بریک اوت عمل کرده است و سپس از یک روند کاملا صعودی به نزولی تبدیل شده است . بهترین نوع استفاده با اطمینان بالا از این گپها می تواند شکست انها از پترن ها باشد . این نوع گپ نیز پر می شود و سپس به ادامه روند می پردازد اما مانند گپ عمومی سریع اتفاق نمی افتد و گاهی مشاهده می شود مدت طولانی زمان می برد تا گپ را پر کند .

گپهای فراری :

این گپها در ادامه مسیر اتفاق می افتند و به علت کمبود Volume طرف مقابل (خریدار یا فروشنده) ایجاد می شوند . در یک مثال می توان گفت در یک مسیر صعودی به علت کمبود ولیوم فروشندگان این گپها ایجاد می شوند و دلیلی برای ادامه روند صعودی هستند .



در تصویر بالا مشاهده می کنید که بعد از گپ روند به ادامه مسیر خود پرداخته است و بعد از پر شدن گپ ادامه روند اتفاق افتاده است . این نوع گپها زمان زیادتری برای پر شدن صرف میکنند .

گپ خسته :

این گپها در انتهای یک مسیر نزولی یا صعودی شکل میگیرند و دلیل نامیدن ان به عنوان گپ خسته همین می باشد . درواقع تریدرها از ادامه مسیر خسته شده اند و روند بر میگردد .



این نوع گپها را می توان در انتهای مسیرهای نزولی و یا صعودی طولانی مدت مشاهده کرد و معمولا دارای حجم کوچکتری در مقایسه با گپهای دیگر هستند .

در یک نتیجه گیری کلی می توان اینطور نوشت که همه گپها برای ادامه یا برگشت مسیر نسبت به تعریفهای بالا پر می شوند و تنها گپی که می توان انتظار داشت کمی پر شدن ان در زمان طولانی تر اتفاق بیافتد گپ قراری می باشد.

تمام مطالب متعلق به سایت ITT می باشد و بنده فقط در قالب پی دی اف به علت مشکلات اینترنتی جمع آوری نموده ام.

با تشکر از کریس عزیز بابت ارائه این مطالب ارزشمند.

گرداوری:مازیار بادرستانی